نظام آفرینش

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

با نظارت: دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶، -گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)/ به اهتمام سیدمهدی امین؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۴۹ ص .۱۱×۱۷س‌م.

فروست : تفسیر علامه ج.] ۵.

شابک : ۶-۱۲۹-۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر بر اساس کتاب "المیزان فی تفسیرالقرآن "اثر سیدمحمدحسین طباطبائی است.

یادداشت : ویراست کتاب قبلی با عنوان" تفسیر علامه: خداشناسی و نظام آفرینش "توسط بیان جوان با فروست تفسیر موضوعی المیزان در سال ۱۳۸۹ (۶۸۰ ص.) منتشر شده است.

یادداشت : عنوان دیگر: نظام آفرینش.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : المیزان فی تفسیرالقرآن.

عنوان دیگر : نظام آفرینش.

عنوان دیگر : تفسیر علامه: خداشناسی و نظام آفرینش.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : آفرینش -- جنبه‌های قرآنی

شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷، -ناظر

شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن

شناسه افزوده : تفسیر علامه ج.] ۵.

رده بندی کنگره : BP۹۸/الف۸۳ت۷ ۵.ج ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۸۶۸۹

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۱۷۲)

(۱۷۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۱۷۴)

(۱۷۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تقدیم به

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا
وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ
الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاْئِمَّةِ التِّسْعَةِ
الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّةِاللّهِ فِی الاْرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ
الاْنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،
الْحُجَّةِبْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ
الاْوْلِیاءِوَیامُذِلَّ الاْعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الاْرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا
وَ اَهْلَنَا الضُّرُّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ

(۴)

مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ
فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ
اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تائیدیه حضرت آیهٔاللّه محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورایعالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فروفرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن،

(۵)

فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هرکدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل‌جوان باقرآن انجام‌داده‌اند؛ همگی قابل‌تقدیر و تشکر و احترام‌است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند. توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

متن تائیدیه حضرت آیهٔاللّه مرتضی مقتدایی

(۶)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن‌مجید مأنوس به‌طوری‌که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه ویژه حضرت بقیت‌اللّه‌الاعظم ارواحنافداه باشد.

(۷)

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان‌المبارک ۱۴۲۷

(۸)

متن‌تأییدیه حضرت آیهٔ‌اللّه‌سیدعلی‌اصغردستغیب نماینده محترم‌خبرگان‌رهبری‌دراستان‌فارس

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

«وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیانا لِکُلِّ شَیْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبهائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هرکس عنوان و موضوع مدّنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیا زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفسّرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

(۱۰)

مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفا برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیرترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی

(۱۱)

کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای‌سیدمهدی‌امین» می‌باشد.ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی‌است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیهٔ اللّه مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان

(۱۲) نظام آفرینش

شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین

تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوّت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به‌کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسّر تنها در کنار هم‌گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبّری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از

مقدمه ناشر (۱۳)

اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امّت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به طور عمیق مورد بحث و بررسی قرارداده است.

شیوه مرحوم علاّمه به‌این شرح است که در آغاز، چندآیه از یک‌سوره را می‌آورد و آیه، آیه، نکات لُغوی و بیانی‌آن‌را شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای

(۱۴) نظام آفرینش

سیدمهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران ـ تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

مقدمه مؤلف

اِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَریمٌ

فی کِتابٍ مَکْنُونٍ

لا یَمَسُّهُ اِلاَّ الْمُطَهَّروُنَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ ـ ۷۹/ واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یافرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۶)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصا محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیهٔ اللّه طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین‌مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید

(۱۸) نظام آفرینش

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس‌اللّه سرّه الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتمادِ فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرهٔالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرارگیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار

مقدمه مؤلف (۱۹)

به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکراین‌نکته لازم‌است که چون‌ترجمه‌تفسیرالمیزان به‌صورت دومجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰جلدی منتشرشده بهتراست درصورت نیازبه‌مراجعه به‌ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد موردنظر خود، صرف‌نظراز تعداد مجلدات بروید.

و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

(۲۰) نظام آفرینش

تأسیس شده باشد، و استاد مسلّم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست !

و صلوات خدا بر محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیهٔاللّه طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۲۲) نظام آفرینش

بخش اول:آیات الهی در آفرینش

فصل اول:آیات الهی و تنوع آن

آیت چیست؟

(۲۳)

(۲۴) نظام آفرینش

(۲۵)

«تِلْکَ ایاتُاللّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ...!» (۶/جاثیه)

کلمه «آیات» جمع آیه است و به معنای علامت‌های دارای دلالت است. پس آیات کونیه خدا عبارت است از امور کونیه‌ای که با وجود خارجی خود دلالت می‌کند بر

(۲۶)

این‌که خدای‌تعالی در خلقت عالم یگانه است و شریکی در این کار ندارد و متصف است به صفات کمالیه و منزه است از هر نقص و حاجت.

ایمان به این آیات معنایش ایمان داشتن به دلالت آن‌ها بر هستی خداست، که لازمه داشتن چنین ایمانی، ایمان داشتن به خدا بر طبق دلالت این ادله است، نه خدایی که این ادله بر آن دلالت نکند.

آیات قرآن کریم نیز از این جهت آیات نامیده شده‌اند که بیانگر آیات تکوینی هستند، آیات تکوینی‌ای که گفتیم بر هستی و صفات خدا دلالت دارند و یا از این جهت آیات نامیده شده‌اند که بیانگر معارف اعتقادی و یا احکام عملی و یا احکام اخلاقی می‌باشند، احکامی که خدا آن را می‌پسندد و بدان امر می‌کند و از بندگانش می‌خواهد که به آن‌ها عمل کنند، چون مضامین آن آیات بر آن احکام دلالت دارد که از ناحیه خدا نازل شده

مقدمه ناشر (۲۷)

است و ایمان به این آیات ایمان به دلالت آن‌ها بر خدای‌تعالی است، که قهرا ملازم با ایمان به مدلول آن‌ها نیز هست. معجزات را نیز از این رو آیات می‌نامند که اگر از قبیل مرده زنده کردن و امثال آن باشد، آیات کونیه است و همان دلالت کونیه را دارد و اگر از قبیل پیشگویی‌ها و یا خود قرآن کریم باشد، که برگشت دلالت آن‌ها نیز به دلالت آیات کونیه خواهد بود، چون با هستی خود دلالت می‌کند بر هستی خدای‌تعالی و صفات او.(۱)

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد

۱- المیـــزان ج ۳۵، ص ۲۵۹.

(۲۸) نظام آفرینش

«... لَآیـاتٍ لِلْمُـؤْمِنینَ ... آیـاتٌ لِقَـوْمٍ یُـوقِنُـونَ...آیـاتٌ لِقَـوْمٍ یَعْقِلُـونَ !»

(۳ تا ۵ / جاثیه)

- به درستی که در آسمان‌ها و زمین آیت‌هاست برای مردم با ایمان.

- و نیز در خلقت خودتان و جنبندگانی که همواره منتشر می‌کند، آیت‌هاست برای مردمی که اهل یقین باشند.

- و نیز در اختلاف شب و روز و رزقی که از آسمان نازل می‌کند و... آیت‌ها هست برای مردمی که تعقل می‌کنند.

در این آیات می‌بینیم هر دسته از آن‌ها به قومی اختصاص داده شده:

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد (۲۹)

یک دسته به مؤمنین، یک دسته به قومی که اهل یقینند، دسته دیگر به قومی که تعقل می‌کنند.

۱ - شاید وجهش این باشد که آیت احیای زندگانی به دلالتی ساده و همه کس فهم دلالت می‌کند بر این‌که خودش خود را ایجاد نکرده و به طور اتفاق و تصادفی هم پیدا نشده، بلکه آن را پدید آورنده‌ای ایجاد کرده و به دنبالش آثار و افعال آن‌ها را پدید آورده، آثار و افعالی که این نظام مشهود از آن آثار پدید آمده است. پس خالق آسمان‌ها، خالق همه عالم و رب همه است. و انسان این معنی را با فهم ساده خود می‌فهمد و انسان‌های با ایمان هم همین را می‌فهمند و از آن منتفع می‌شوند.

۲ - ولی این معنا را که خالق انسان و سایر جنبدنگان دارای حیات و شعور، خداست، از این جهت که ارواح و نفوس موجودات زنده با شعور از عالمی ورای

(۳۰) نظام آفرینش

عالم ماده است، که نامش را عالم ملکوت می‌گذاریم، قرآن کریم کمال ادراک و مشاهده این معنا را به اهل یقین مختص دانسته، نه به عموم مردم و فهم‌های ساده آن‌ها. ۳ - و اما آیت اختلاف لیل و نهار و باران‌هایی که زمین را زنده می‌کند و چرخاندن بادها از آن‌جا که انواع مختلف و جهات متعدد دارد و مرتبط با زمین و زمینی‌هاست و فواید بی‌شمار و منافعی دامنه‌دار و بسیار است، که درک همه آن‌ها محتاج به تعقل فکری و تفضیلی و عمیق است و فهم ساده عموم از درک آن عاجز است، لذا درک آن را به قومی که تعقل کنند اختصاص داد، گو این‌که آیات نامبرده برای همه آیتند لکن از آن‌جا که تنها دانشمندان و صاحبان تعقل از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، بدین جهت آیات را به ایشان اختصاص داد.

در این میان می‌بینیم که از این طبقه گاهی تعبیر فرموده به قومی که (یُوقِنُونَ ـ یقین

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد (۳۱)

پیدا می‌کنند) و گاهی به قومی که (یَعْقِلُونَ ـ تعقل می‌کنند.) و از تعبد مردم که با فهم ساده خود پی به حقیقت می‌برند، تعبیر

فرمود به مؤمنین.

از این‌اختلاف تعبیر فهمیده می‌شود که مراد به ایمان اصل آن است، که آیاتش ساده و بسیط است و چون به دست آمدنش تدریجی نیست، از دارندگان آن تعبیر به وصف کرد به خلاف ایمان اهل یقین و عقل، که به خاطر دقت آیات آن و بلندی افق آن‌ها و به‌خاطر این‌که خرده خرده و به تدریج به دست می‌آید، از دارندگانش تعبیر به مضارع (یَعْقِلُونَ یا یُوقِنُون) کرد که دلالت بر استمرار تجددی دارد.(۱)

۱- المیـــــــــــــزان ج ۳۵، ص ۲۵۶.

(۳۲) نظام آفرینش

آیات جهان آفرینش و نظام آن

«اِنَّ فِی السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ لَآیاتٍ لِلْمُؤْمِنینَ!» (۳ / جاثیه)

مراد از این‌که فرمود - در آسمان‌ها و زمین علامت‌ها (آیات) هست، این است که اصلاً آسمان و زمین آیت‌ها هستند که بر هستی پدید آورنده خود دلالت می‌کنند، نه این‌که آیت‌ها چیز دیگری باشند و در ظرف آسمان‌ها و زمین قرار داشته باشند.

دلیل گفتار ما این است که تعبیرات قرآن کریم از این معنا مختلف است. گاهی می‌فرماید: فلان چیز آیت است. و گاهی می‌فرماید: در فلان چیز آیت هست. و گاهی هم می‌فرماید: در خلقت فلان چیز آیت هست.

آیات جهان آفرینش و نظام آن (۳۳)

- به درستی که در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز آیت‌هاست. در آیه مورد بحث آیت را در خود آسمان‌ها و زمین دانسته، نه در خلقت آن‌ها. یک جا هم فرموده:

- و یکی از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین است.

نظایر این اختلاف تعبیر بسیار است. از همین اختلاف استفاده می‌شود، معنای این‌که چیزی باشد که در آن آیت باشد، این است که خود آن چیز آیت باشد.

همچنان‌که از اختلاف تعبیر دیگری که در آیات بالا بود و در یکی می‌فرمود: «در آسمان‌ها و زمین» و در دیگری می‌فرمود: «در خلقت آسمان‌ها و زمین» استفاده می‌شود مراد از خلقت آسمان‌ها و زمین خود آسمان‌ها و زمین است، نه چیز دیگر.

حال باید دید چرا آسمان‌ها و زمین را ظرف آیت دانسته، با این‌که خودش آیت

(۳۴) نظام آفرینش

است؟ در پاسخ‌می گوییم: این‌بدان عنایت‌است که بفهماند جهات وجود آسمان‌ها و زمین مختلف است و هر جهت از جهات آن‌ها خود آیتی است از آیات و اگر خود آسمان‌ها و زمین در نظر گرفته می‌شد، چاره‌ای جز این نبود که همه آن‌ها را یک آیت بگیریم، در حالی که می‌بینیم مثلاً زمین به تنهایی را آیت‌ها شمرده و فرموده: «وَ فِی الْاَرْضِ ایاتٌ لِلْمُوقِنینَ - در زمین آیت‌ها هست برای اهل یقین.» و اگر خود زمین در نظر گرفته می‌شد باید می‌فرمود: زمین آیتی است برای اهل یقین. و آن وقت منظور فوت می‌شد و دیگر نمی‌فهمانید که در هستی زمین جهاتی است که هر یک از آن جهات به تنهایی آیتی است مستقل.

پس معنای این‌که فرمود: «اِنَّ فِی السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ...» این است که برای وجود آسمان‌ها و زمین جهاتی است که هر جهتش دلالت دارد بر این‌که آفریدگار و مدبرش

آیات جهان آفرینش و نظام آن (۳۵)

تنها خداست و شریکی برای او نیست.

برای این‌که آسمان‌ها و زمین با حاجت ذاتی‌اش به پدید آورنده و با عظمت خلقتش و بی‌نظیر بودن ترکیبش و اتصالی که در وجود اجزای بی‌شمار و هول‌انگیز آن به یکدیگر است و ارتباط و اندراجی که نظام‌های جزئی و مخصوص به یک یک موجودات تحت نظام عمومی و کلی حاکم بر کل عالم دارد، همه دلالت دارد بر این‌که خالقی یکتا دارد و همان خالق یکتا مدبر آن است. اگر برای این عالم پدید آورنده‌ای نبود، پدید نمی‌آمد. و اگر مدبرش یکتا نبود، نظام‌های جزئی آن با یکدیگر متناقض می‌شد و تدبیر مختلف می‌گشت.(۱)

۱- المیـــــزان ج ۳۵، ص ۲۵۲.

(۳۶) نظام آفرینش

تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی

«اِنَّ فی ذلِکَ لَایَةً لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ... اِنَّ فی ذلِکَ لَایاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ... اِنَّ فی ذلِکَ لَایَةً لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ!» (۱۱ تا ۱۲/نحل)

این سه قسم احتجاج است که یکی به مردم متفکر و یکی به اشخاص متعقل و سومی به افراد متذکر نسبت داده شده است. و جهتش این است که حجت اول در آیه (اوست که از آسمان آبی نازل کرده که نوشیدنی شماست و از آن... که در این برای

تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی (۳۷)

گروهی که اندیشه کنند عبرت‌هاست،) از مقدمات ساده‌ای ترکیب یافته که در استفاده و نتیجه گرفتن از آن صرف تفکر کافی است، ولی دومی مرکب از مقدمات علمی است که فهم آن جز برای اندیشمندانی که از اوضاع اجرام آسمانی و اسرار زمینی با خبرند، میسر نیست و تنها کسی از آن حجت نتیجه می‌گیرد که حرکات و انتقالات اجرام آسمانی و آثار آن حرکات را می‌داند:

(شب و روز را به خدمت شما گذاشت و خورشید و ماه و ستارگان به فرمان وی به خدمت درند، که در این برای گروهی که تعقل کنند، عبرت‌هاست.)

سومی هم مرکب از مقدماتی کلی و فلسفی است که تنها کسانی از آن می‌توانند نتیجه را گرفته، با آن وحدانیت خدا را در ربوبیت اثبات کنند که متذکر احکام کلی وجود باشند. مثلاً بدانند که عالمی که همواره در دگرگونی است لابد و ناچار احتیاج

(۳۸) نظام آفرینش

به ماده دارد و بداند تمامی مواد آن به یک ماده عمومی و متشابه منتهی می‌گردد، و بداند که واجب است، تمامی اختلافاتی که در مواد هست باید منتهی به غیر ماده شود، عامل دیگری لازم است که این ماده عمومی را به هزاران صورت در آورد: (و نیز آن‌چه برایتان در زمین آفریده و رنگ‌های آن مختلف است که در این برای گروهی که اندرز پذیرند، عبرت‌هاست.)(۱)

۱- المیـــزان ج ۱۴، ص ۱۲۷.

تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی (۳۹)

تنــوع نظام آفرینش و تنــوع آیات الهی

«اِنَّ اللّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَـیِّ!» (۹۵ تا ۹۹ / انعام)

- این خدای سبحان است که دانه‌های نبات و هسته را می‌شکافد و از آن دو، گیاه و درخت می‌رویانند و مردم را با دانه‌ها و میوه‌های آن‌ها روزی می‌دهد. اوست که زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌سازد: ذلِکُمُ اللّهُ فَأَنّی تُؤْفَکُونَ!

- «فالِقُ الْاِصْباحِ وَ جَعَلَ الَّیلَ سَکَنا!»

(۴۰) نظام آفرینش

چون در شکافتن صبح و موقع استراحت قرار دادن شب و هم‌چنین حرکت ماه و خورشید را باعث پدید آمدن شب و روز و ماه و سال قرار دادن، تقدیر عجیبی به کار رفته و در نتیجه این تقدیر، انتظام نظام معاش انسان و مرتب شدن زندگی او شده است، لذا در ذیل آیه فرمود: ذٰلِکَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْحَکیم! و فهمانید که خدای‌تعالی آن عزیز مقتدری است که هیچ قدرتی بر قدرت او غالب نیامده و نمی‌تواند کوچکترین اثری در تباه ساختن تدبیر او داشته باشد. و نیز خدای‌تعالی آن دانایی است که به کوچکترین چیزی از مصالح مملکت خود جاهل نیست.

- «وَ هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فی ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ... .» - اوست که ستارگان را برای شما پدید کرد، تا بدان در ظلمات خشکی و دریا راه یابید... .

- «قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ!»

تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۱)

- مراد از تفصیل آیات، یا تفصیل به حسب تکوین و خلقت است و یا تفصیل به حسب بیان لفظی است. و این‌که غایت و نتیجه خلقت و به گردش در آوردن اجرام آسمانی را در تحت جاذبه عمومی، مصالح انسان و سعادت زندگی‌اش در نشئه دنیا قرار داده، با این‌که خلقت یک یک آن‌ها مستقلاً مراد از اراده الهیه باشد، منافی نیست، چون جهات قضیه مختلف است و تحقق بعضی از جهات منافات با تحقق جهات دیگر ندارد و ارتباط و اتصالی که در سرتاسر اجزای عالم است، مانع از این نیست که یک‌یک اجزاء به اراده مستقل به وجود آمده باشند.

- «وَ هُوَ الَّذی اَنْشَأَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ!»

ظاهرا مراد از این‌که فرمود: «وَ هُوَ الَّذی اَنْشَأَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ» این است که نسل حاضر بشر با همه انتشار و کثرتی که دارد، منتهی به یک نفر است و آن آدم است که قرآن کریم او را مبدأ نسل بشر فعلی دانسته است.

(۴۲) نظام آفرینش

مراد به مستقر، آن افرادی است که دوران سیر در اصلاب را طی کرده و متولد شده و در زمین به مقتضای آیه «وَ لَکُمْ فِی الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ - زمین قرارگاه نوع بشر است،» مستقر گشته است. مراد به مستودع، آن افرادی است که هنوز سیر در اصلاب را تمام نکرده و به دنیا نیامده و بعدا متولد خواهند شد.

معنای آیه شریفه این است که - پروردگار متعال آن کسی است که شما نوع بشر را از یک فرد ایجاد کرده و زمین را تا مدت معینی به دست شما آباد نموده است و این زمین تا زمانی که شما نسل بشر منقرض نشده‌اید، مشغول به شما و در دست شماست. و پیوسته بعضی از شما افراد بشر مستقر در آن و بعضی دیگر مستودع در اصلاب و ارحام و در حال به وجود آمدن در آنند.

تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۳)

- «وَ هُوَ الَّذی اَنْزَلَ مِنَ السَّمآءِ مآءً فَأَخْرَجْنا بِه نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ!»

مراد این است که ما به وسیله آبی که از آسمان می‌فرستیم گیاهان را می‌رویانیم و آن قوه نموّی که در روئیدنی‌هاست به ظهور در آورده و گیاهان و درختان و آدمیان و سایر انواع حیوانات را نمو می‌دهیم.

خدای‌تعالی در این آیه شریفه چند فقره از چیزهایی را که به دست قدرت خود آفریده، خاطرنشان ساخته تا آنان که دارای عقل و بصیرتند، در خلقت آن‌ها نظر کرده و بدین وسیله به توحید خدای‌تعالی راه یابند. بعضی از آن‌ها اموری هستند مربوط به زمین، مانند شکافتن دانه‌های گیاهان و هسته‌های درختان و امثال آن و بعضی دیگر اموری هستند مربوط به آسمان مانند پدید آوردن شب و صبح و به وجود آوردن آفتاب و ماه و ستارگان. و برخی دیگر مربوط به خود آدمی است و این‌که تمامی افراد بشر از یک

فرد منشعب شده، بعضی از آنان مستقر و برخی دیگر مستودعند. بعضی دیگر اموری هستند مربوط به همه آن‌ها و آن فرستادن باران از آسمان و فراهم ساختن غذا برای نباتات و میوه‌ها و حیوانات و آدمیان و رویانیدن اشیایی که قوه در بدن دارند، مانند گیاه و حیوان و انسان است.

(۴۴) نظام آفرینش

خدای‌تعالی در این آیه ستارگان را آیتی مخصوص مردم دانا و انشاء نفوس بشری را آیتی مخصوص به مردمان فقیه و تدبیر نظام روییدنی‌ها را آیتی مخصوص به مردم با ایمان شمرده است و این به خاطر مناسبتی است که در میان بوده است، مثلاً نظر در تدبیر نظام را از این جهت به مردم با ایمان اختصاص داد که تفکر در آن احتیاج به درس خواندن و مؤنه علمی ندارد، بلکه هر فهم عادی نیز می‌تواند، در آن نظر کرده و از دقتی که در آن به کار رفته پی به صانع آن ببرد، به شرط این‌که همین مقدار فهم عوامی‌اش به تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۵)

نور ایمان روشن و متنور بوده و قذارت عناد و لجاج آن را آلوده نکرده باشد. به خلاف نظر در ستارگان و اوضاع آسمان که هر کسی نمی‌تواند از آن سر درآورده و به دقایق آن پی ببرد، بلکه به دانشمندانی مخصوص است که تا حدی آشنایی به دست آورده باشند. همچنین سر در آوردن از خصوصیات نفس و اسرار خلقت آن که علاوه بر داشتن مؤنه علمی کافی محتاج است به مراقبت باطن و تهذیب نفس.(۱)

۱- المیزان ج ۱۴، ص ۱۲۷.

(۴۶) نظام آفرینش

فصل دوم:آیات الهی در شب و روز

آیـات الـهی در اختلاف شب و روز

«اِنَّ فِی اخْتِلافِ الَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ ما خَلَقَ اللّهُ فِی السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ لَایاتٍ لِقَوْمٍ یَتَّقُونَ!» (۶ / یونس)

ظاهرا اختلاف از ماده «خَلْف» است و معنی خلف در اصل این است که چیزی به

(۴۷)

دنبال چیز دیگر قرار گیرد. بعدها این سخن گسترش بیشتری پیدا کرده و در هر موردی که دو چیز با یکدیگر مغایرت داشته باشند، استعمال شده است.

مراد از اختلاف لیل و نهار، یا این است که هر کدام پشت سر دیگری در می‌آیند، یعنی همین که شب و روز پشت سر هم در می‌آیند که هفته و ماه و سال ترسیم می‌شود. و یا مراد، اختلاف شب و روز است در اغلب مناطق مسکونی زمین که در اعتدال ربیعی شب و روز مساوی اند و آن‌گاه در مناطق شمالی روز شروع می‌کند به زیاد شدن و هر روز از روز پیش بیشتر می‌شود تا اول تابستان که شروع می‌کند به کم شدن تا به اعتدال خریفی برسد که اول پاییز است و شب و روز باز مساوی می‌شود و بعدا کم کم شب درازتر از روز می‌شود تا اول زمستان که آخرین درجه درازی شب است و پس از آن بار دیگر روز و شب به طرف تساوی می‌رود تا به اعتدال ربیعی برسد.

(۴۸) نظام آفرینش

این جریان در مناطق شمالی زمین است. در مناطق جنوبی جریان درست بر خلاف صورت می‌گیرد، یعنی درست به همان نسبت که روز در یکی از دو منطقه شمال یا جنوب بلند می‌شود، در طرف دیگر شب بلند می‌شود.

اختلاف اولی شب و روز (یعنی پشت سر هم آمدن شب و روز) کارهای مردم زمین را منظم‌می‌کند، زیرا خدا حرارت‌خورشیدرا بر زمین مسلط می‌کند، آن گاه سردی ظلمت را گسترش می‌دهد و باد را به وزش در می‌آورد و مردم را برای حرکت زندگی برمی‌انگیزد و آن‌گاه آنان را برای راحتی و آسایش گرد هم می‌آورد - «ما خوابتان را آرامش‌بخش، شب را به‌سان پوشش و روز را برای معاش قرار دادیم.» (۹ تا ۱۱ / نبأ)

اختلاف دوم، یعنی اختلاف بلندی و کوتاهی شب و روز، فصول چهارگانه سال را تشکیل می‌دهد و کار روزی و قوت مردم را منظم می‌سازد. خدا می‌فرماید: «خدا

آیات الهی در اختلاف شب و روز (۴۹)

روزی‌های زمین را در چهار روز (دوره - فصل) اندازه‌گیری کرد که روزی‌طلبان در کسب روزی با هم مساوی‌اند.» (۱۰ / فصلت)

اختلاف شب و روز و هم‌چنین موجوداتی که خدا در آسمان و زمین آفریده، حامل نظام واحد و متقنی است و خدا به وسیله این نظام، کار موجودات ارضی و سماوی و به ویژه عالم انسانی را با تدبیر واحدی انجام داد، به طوری که اجزای عالم را به بهترین شکل و صورتی که به تصور در آید به هم پیوند داده و این کاشف از جنبه ربوبیت خداست که هر چیز و منجمله انسان را پرورش می‌دهد.(۱)

۱- المیـــــــزان ج ۱۹، ص ۲۲.

(۵۰) نظام آفرینش

اختلاف منظم در آیات شب و روز

«وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ... ایاتٌ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ!» (۵ / جاثیه)

این قبیل آیات جزو آیاتی هستند که بین زمین و آسمان قرار دارند. آسمان‌ها خود آیتی هستند. زمین هم خود آیتی است. و اختلاف شب و روز آیتی است بین زمین و آسمان.

منظور از اختلاف شب و روز، اختلاف آن دو از نظر کوتاهی و بلندی است، اختلافی منظم که از آغاز خلقتش تاکنون دگرگونی نیافته و به طور یکنواخت فصول چهارگانه بهار و تابستان و پاییز و زمستان را پدید آورده و این چهار فصل در هر ناحیه از

اختلاف منظم در آیات شب و روز (۵۱)

نواحی‌زمین به هر صورتی بوده، اکنون نیز به همان صورت است و از این به بعد نیز به همین منوال مکرر می‌شود، اختلافی که به آن وسیله خدای سبحان رزق اهل زمین را تدبیر نموده به ترتیبی صالح رشدشان می‌دهد، همچنان که خودش فرمود: «وَ قَدَّرَ فیها اَقْواتَها فی اَرْبَعَةِ اَیّامٍ سَواءً لِلسّائِلینَ - و در زمین در چهار فصل قوت اهل زمین را تأمین کرده است هر کس به مقدار نیاز و حاجاتش.» (۱۰ / فصلت) (۱)

۱- المیـــــزان ج ۳۵، ص ۲۵۵.

(۵۲) نظام آفرینش

آیت خـواب شبانه و فعالیت روزانــه

«وَ مِنْ اٰیاتِهِ مَنامُکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ ابْتِغاؤُکُمْ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ فی ذلِکَ لَاٰیاتٍ لِقَوْمٍ یَسْمَعُونَ» (۲۳/روم)

کلمه «فَضْل» به معنای زیادتر از مقدار حاجت از هر چیز است و بر عطیه نیز اطلاق می‌شود، چون صاحب عطا آن‌چه را عطا می‌کند، زائد بر مقدار حاجت خویش است و مراد به این کلمه در آیه شریفه رزق است و معنای «اِبْتِغاء فَضْل» طلب رزق

است.

در این‌که انسان دارای قوای فعاله‌ای خلق شده، که او را وادار میکند به این‌که در

آیت خواب شبانه و فعالیت روزانه (۵۳)

جستجوی رزق باشد و حوائج زندگی خود را به خاطر بقای خود تحصیل کند، از جای برخیزد و تلاش روزی کند و نیز در این‌که به سوی استراحت و سکون هدایت شده، تا به وسیله آن خستگی تلاش خود را برطرف نموده و تجدید و تجهیز قوا کند و باز در این‌که شب و روز را پشت سر هم قرار داده، تا خستگی هر روز را در شب همان روز برطرف سازد و باز در این‌که برای پدید آمدن شب و روز اوضاعی در آسمان نسبت به زمین پدید آمده، آیت‌ها و نشانه‌های سودمندی است برای کسی که دارای گوشی شنوا باشد، در آنچه می‌شنود تعقل کند و چون آن را حق دید پیروی نماید.(۱)

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۹.

(۵۴) نظام آفرینش

(۵۵)

فصل سوم:آیات الهی در طبیعت و عوامل طبیعی

آیات تحول در زمین

«وَ مِنْ آیاتِهِ اَنَّکَ تَرَی الْاَرْضَ خاشِعَةً!» (۳۹ / فصلت)

کلمه «خاشِعَة» به معنای اظهار ذلت است. منظور از اهتزاز زمین و ربوه آن، به حرکت درآمدنش به وسیله گیاهانی است که از آن سر در می‌آورند و بلند می‌شوند.

(۵۶)

در این آیه شریفه استعاره‌ای تمثیلی به کار رفته، یعنی خشکی و بی‌گیاهی زمین در زمستان و سپس سرسبز شدن و بالا آمدن گیاهانش، به کسی تشبیه شده، که قبلاً افتاده حال و دارای لباس‌های پاره و کهنه بوده و خواری و ذلت از سر و رویش می‌باریده و سپس به مالی رسیده، که همه نارسایی‌های زندگیش را اصلاح کرده و جامه‌های گرانبها بر تن نموده و دارای نشاطی و تبختری شده است، که خرمی و ناز و نعمت از سر و رویش هویداست.

و این آیه شریفه در مقام اثبات معاد و احتجاج بر آنست.(۱)

۱- المیزان ج ۳۴، ص ۳۱۰.

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء (۵۷)

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء

«هُوَ الَّذی یُریکُمْ ایاتِهِ وَ یُنَزِّلُ لَکُمْ مِنَ السَّماءِ رِزْقا!» (۱۳ / مؤمن)

مراد از «آیات» در این‌جا علائم و حجت‌هایی است که بر وحدانیت خدای‌تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت می‌کند. کلمه «آیات» چون مطلق است، هم شامل آیات تکوینی و دیدنی‌عالم می‌شود، که هر انسان صحیح‌الادراکی آن‌را می‌بیند و هم‌آیات و معجزاتی که به دست انبیاء جاری می‌شود و هم براهینی که انبیاءِ از طریق وحی اقامه می‌کردند.

و این جمله مشتمل است بر یک برهان، به این بیان که اگر در واقع «اَللّه» معبودی بوده‌باشد،که پرستش‌او بر انسان واجب‌باشد و نیز

در پرستش‌اوکمال و سعادت آدمی

(۵۸) نظام آفرینش

تأمین شود،تمامیت و کمال تـدبر او اقتضامی‌کندکه انسان‌هارا به سوی خود هدایت کند و خوشبختانه آن خدایی که آیات کونیه بر ربوبیت و الوهیت او دلالت می‌کند و انبیاء و رسولان هم با دعوت خود و معجزاتشان آن آیات را تأیید می‌کنند، الله سبحان است.

جمله «وَ یُنَزِّلُ لَکُمْ مِنَ السَّماءِ رِزْقا» هم، حجتی دیگر بر یگانگی خدای‌تعالی است و این حجت از جهت رزق اقامه شده، می‌فرماید رزق دادن به بندگان خود یکی از شئون ربوبیت و الوهیت اله است و چون همه می‌دانند که رزق از ناحیه خداست.

بعید نیست مراد از رزق، خود آن ارزاقی باشد که مردم با آن ارتزاق می‌کنند و مراد از نازل شدن آن از آسمان این باشد که ارزاق از غیب به شهود می‌آیند: «وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ اِلّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ - هیچ چیز نیست مگر آن‌که خزینه‌هایش نزد ماست و ما آن را نازل نمی‌کنیم مگر به اندازه‌ای معین.» (۲۱ / حجر)(۱)

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء (۵۹)

۱- المیـــــزان ج ۳۴، ص ۱۸۴.

(۶۰) نظام آفرینش

چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد؟

«وَ مِنْ ایاتِهِ‌الْجَوارِ فِی‌الْبَحْرِ کَالْاَعْلامِ!» (۳۲ / شوری)

اگر کشتی را به کوه تشبیه کرده به منظور افاده بزرگی آن بوده (همان طور که در فارسی هم می‌گوییم کشتی‌های کوه‌پیکر یا غول‌پیکر.) معنای آیه چنین است: (و یکی دیگر از آیاتش کشتی‌های کوه‌پیکر جاری در دریاهاست.)

- «اِنْ یَشَأْ یُسْکِنِ الرّیحَ فَیَظْلَلْنَ رَواکِدَ عَلی ظَهْرِه ـ اگر خدا بخواهد باد را که وسیله حرکت کشتی‌هاست فرو می‌نشاند و کشتی‌ها در وسط اقیانوس‌ها از حرکت باز می‌ایستد.»

- «اِنَّ فی ذلِکَ لَایاتٍ لِکُلِّ صَبّارٍ شَکُورٍ ـ در آن‌چه که درباره کشتی‌های جاری بر گرده

چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد؟ (۶۱)

دریا به وسیله بادها گفتیم که مردم و مال‌التجاره آنان را از ساحل این دریا به ساحل آن دریا می‌برد، خود آیاتی است برای هر کسی که نفس خود را از اشتغال به چیزهایی که به دردش نمی‌خورد، حبس می‌کند و به تفکر در نعمت‌های خدا می‌پردازد، چون تفکر در نعمت‌ها یکی‌از مصادیق شکر نعمت است.»(۱)

چه آیاتی در حرکت باد و جریان هوا وجود دارد؟

«وَ تَصْریفِ‌الرِّیاحِ آیاتٌ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ!»(۵ / جاثیه)

۱- المیـــزان ج ۳۵، ص ۹۹.

(۶۲) نظام آفرینش

«تَصْریفِ الرِّیاح» یعنی گرداندن بادها از این سو بدان سو و فرستادنش از سویی به سوی دیگر، که در همین گرداندن بادها فواید عمومی بسیار نهفته است. از همه فوائدش عمومی‌تر حرکت دادن ابرهاست به نقاط مختلف جهان و یکی دیگر تلقیح گیاهان و سومی‌اش دفع عفونت‌ها و بوی‌های بد است. (این آیات را مردم دودزده شهرهای بزرگ امروز بهتر می‌شناسند.)(۱)

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی

«اَلَـمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْـرِ مُسَخَّراتٍ فی جَـوِّ السَّماءِ ما یُمْسِکُهُـنَّ اِلاَّ اللّهُ اِنَّ

۱- الـمیـــزان ج ۳۵، ص ۲۵۶.

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۳)

فی ذلِـکَ لَایاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ!» (۷۹ / نحل)

کلمه «جَوّ» به معنـای هوای دور زمین است و معنای آیه چنین است: که آیا به مرغان نمی‌نگرنـد که چگونـه در فضـای دور و در جو آسمان مسخـر خدا هستند. آن‌گاه نتیجه ایـن نگریستـن و تفکـر را بیـان نمـوده و می‌فـرمـایـد: «ما یُمْسِکُهُـنَّ اِلاَّ اللّـهُ!».

در این‌جا خدای‌تعالی سبب نگهداری مرغان را در فضا منحصر به خود کرده با این‌که می‌بینیم که اسباب طبیعی نیز در پرواز مرغان در فضا مؤثرند و از سوی دیگر می‌دانیم که خدای‌تعالی در کلام مجیدش ناموس علیت و معلولیت را تصدیق نموده، سببیت اسباب طبیعی را قبول دارد، پس چگونه در مسئله پرواز مـرغان آن را انکـار کـرده است؟

(۶۴) نظام آفرینش

این سؤالی است که در آیه شریفه به نظر می‌رسد و لکن باید دانست که ایستادن و راه رفتن مرغان در فضا و سقوط نکردنشان به هر طوری که باشد و مستند به هر سببی که بوده باشد خودش و سببش و رابطه‌ای که میانه آن سبب و این سبب (پرواز) برقرار است همه مستند به خدای‌تعالی و صنع او هستند، اوست که وجود را بر طیر و بر سبب طیرانش و رابطه میان آن سبب و آن طیران افاضه فرموده، پس سببی که وجود را به آن سبب افاضه کرده، حقیقی است هر چنـد که متوقف بر سـبب طبیعی‌اش و نزدیکش نیز باشد، پس سبب حقیقی این موجود منحصرا خدای‌تعالی است، هر چند موقوف بر سبب‌های طبیعی نزدیکش نیز می‌باشد.

ایـن است معنـای توحیـد قـرآن و دلیـل بر آن جهت لفـظ آیـاتی است نظیر آیه: «اَلا ـ لَهُالْخَلْقُ وَالاَْمْرُ - آگاه‌باش که مر او راست خلق و امر!» (۵۴/اعراف) و آیه: «اَنَالْقُوَّةَ لِلّهِ

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۵)

جَمیعـا ـ به درستی که نیرو همه‌اش از خـداست.» (۱۶۵ / بقره) و آیه: «اَللّهُ خـالِقُ کُلِّ شَیْءٍ - خـدا آفریـدگار هرچیز است.» (۶۲ / زمر) و آیه: «اِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ ـ به درستی که خدا بر هر چیز تواناست.» (۲۰ / بقره)

پرواز مرغـان در جـو آسـمان در حقیقـت عجیـب‌تر از ایسـتادن انسـان در زمیـن نیسـت، پس همـه بـه طـور مسـاوی منتهی بـه صـنع خـدای‌تعالی است. چیزی که هست انسـان نسـبت به پـاره‌ای چیزهـا انس و الفت گرفتـه و تـا چشم گشـوده آن را آن طور دیـده و باعث شـده که قریحه جستجو و تحقیق و کنجاوی‌اش نسبت به آن خمود گردد و از دیدن آن دچار هیچ شـگفتی نشود ولی همین انسان وقتی به چیزی مخالف آن‌چه که مأنوس اوست، برخورد آن را امری استثنایی و غیر عادی می‌پندارد و قهرا قریحه کنجکاویش بـه بحث و جستجو انگیخته می‌شود.

(۶۶) نظام آفرینش

انسان همواره دیـده که اجسام سنگین همه به زمین تکیه می‌کنند و به سوی زمین جـذب می‌شوند، این تا بوده چنین دیده و آن‌گاه وقتی می‌بینـد که چیز سـنگینی به نـام فلان مرغ این کلیت را نقض کرده و در فضـا پرواز می‌کنـد و جاذبه زمین با آن کاری نـدارد تعجـب می‌کند و شروع به بحث و جستجو می‌نماید و تا روز به دست آوردن علتش تلاش می‌کنــد و البته بحث بهـره‌ای از حق و حقیقـت هم دارد و همین خود باعـث شــده که قـرآن کریم هم این‌گونه امور را مواد احتجـاج خود قـرار می‌دهـد.

و این‌که فرمود: «اِنَّ فی ذلِکَ لَایاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ،» معنایش این است که در مسـخر بودن مرغان در جو آسمان آیت‌هایی است برای

مردمی که ایمان بیاورند و چون مرغان در فضا یک حال ندارند تا یک «آیت» باشند، لذا خدای‌تعالی فرمود «آیت‌هایی» است برای مردمی که ایمان بیاورند.(۱)

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۷)

۱- المیـــــــزان ج ۲۴، ص ۲۱۵.

(۶۸) نظام آفرینش

دعوت بـه تفکر در قوانین پرواز

«اَوَ لَـمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْرِ فَوْقَهُمْ صافّاتٍ وَ یَقْبِضْنَ ما یُمْسِکُهُنَّ اِلاَّ الرَّحْمنُ...!»

(۱۹ / ملک)

منظور قرآن از این‌که توجه مردم را به سوی پرواز طیـور و باز و بسته شدن بـال‌هـای آن‌هـا در هـوا جلب کرده ایـن اســت که بفهمنـد جـز خـدا کسـی طیور را در فضا نگـه نمـی‌دارد.

گو این‌که مانـدن طیور در فضا و ساقط نشـدن آن‌ها مسـتند به اسباب طبیعی است، همچنان‌که ماندن انسان در زمین هم همین طور است و ماندن و شنا کردن ماهی‌های

دعوت به تفکر در قوانین پرواز (۶۹)

سنگین وزن در روی آب نیز این طور است و همه امور طبیعی همین طور مستند به اسباب و علل طبیعی است و لکن همه این علل طبیعی به خـدای‌تعالی منتهی می‌شود و به همین جهت صحیح است که مانـدن مرغان در هوا را به خدا نسبت دهیم. خواهی گفت: این اختصاص به مرغان نـدارد، چرا در آیه خصوص مرغان را نـام برد؟ جوابش این است که بعضـی از اسباب طبیعی برای همه شناخته شـده نیست، مثل مانـدن مرغابی در فضا و آمد و شد کردن در هوا، که در بدو نظر سؤال‌انگیز است و به محض مشاهده آن، انسان را منتقل به خدای سبحان می‌کند و می‌فهماند سبب حقیقی و اعلای پیدایش مرغان خداست و پروازشان هم مستند به اوست و بعضـی دیگر این طـور نیسـتند، نظیر (ایسـتادن و زنـدگی کردن انسـان در روی زمین،) که انسـان معمـولی را منتقـل به این معـانی نمی‌کند و لذا می‌بینیم خدای سبحان در کلامش نظر بندگان خود را به آن‌گونه

(۷۰) نظام آفرینش

امور جلب می‌کند، تا زودتر و بهتر به وحدانیت خدای‌تعالی در ربوبیت پی ببرند.

و در کلامش نمونه‌های بسیاری از این قبیل امور آمده، نظیر نگهداشتن آسمان‌ها بدون ستون و نگه داشتن زمین از متلاشی شدن و نگهـداری کشتی‌هـا بر روی آب و اختلاف میوه‌ها و رنگ‌ها و زبان‌ها و امثال آن، که سـبب طبیعی نزدیکش از نظرها پنهان است و ذهن ساده‌دلان از توجه به آن امور به آسـانی منتقـل می‌شود به این‌که خـدا آن‌ها را ایجاد کرده و اگر بعـدها در اثر درس خوانـدن متوجه سـبب طبیعی و نزدیک آن گردد، آن وقت در پدیـد آرنده سـبب طبیعی‌اش فکر می‌کند، تا در آخر باز به خدای‌تعالی منتهی شود و بفهمد که - اِلی رَبِّکَ الْمُنْتَهی! (۱)

۱- الـمیزان ج ۳۹، ص ۳۳.

چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟ (۷۱)

چــه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟

«وَ ما اَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ رِزْقٍ فَاَحْیا بِهِ الاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها...!» (۵/جاثیه)

مراد از رزقی که خدای‌تعالی از آسمان نازل می‌کند، باران است. و اگر باران را رزق نامیده، از باب نامیدن سبب به اسم مسبب است. که این گونه نام‌گذاری‌ها مجازی و شایع است و ممکن هم هست بدین جهت باشد که چون باران نیز رزق است، چون همه آب‌های زمین از باران است. و منظور از کلمه «سَماء» بالا سر و یا ابر است، چون ابر را هم مجازا آسمان می‌گویند و منظور از احیای زمین بعد از مردنش، زنده کردن گیاهان و درختان است، که در زمستان مرده بودند. و تعبیر از آن به زنده کردن بعد از موت، –

(۷۲) نظام آفرینش

خالی از اشاره به مسئله معاد نیست.(۱)

۱– المیـــزان ج ۳۵، ص ۲۵۵.

چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟ (۷۳)

آیت اختلاف رنگ و زبان

«وَ مِنْایاتِهِ خَلْقُ السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافُ اَلْسِنَتِکُمْ وَ اَلْوانِکُمْ اِنَّ فی ذلِکَ لَایـاتٍ لِلْعالِمینَ!» (۲۲ / روم)

ظاهرا مراد از اختلاف لسان‌ها، اختلاف واژه‌ها باشد، که یکی عربی و یکی فارسی و یکی اردو و یکی چیز دیگر است. و مراد از اختلاف الوان اختلاف نژادهای مختلف از نظر رنگ باشد، که یکی سفیدپوست و دیگری سیاه، یکی زردپوست و دیگری سرخ‌پوست است.

البته ممکن است اختلاف لسان‌ها شامل اختلاف در لهجه‌ها و اختلاف آهنگ صداها

(۷۴) نظام آفرینش

نیز بشود، چون می‌بینیم که در یک زبان بین این شهر و آن شهر و حتی این ده و ده مجاورش اختلاف در لهجه است، همچنان‌که اگر دقت شود خواهیم دید که تُن صدای دو نفر مثل هم نیست و همچنین اختلاف الوان شامل افراد از یک نژاد نیز بشود، چون اگر دقت شود دو نفر از یک نژاد رنگشان عین هم نیست و این معنا از نظر علمای این فن مسلم است.

پس متفکرین و اهل بحث که پیرامون عالم کبیر بحث می‌کنند، در نظام خلقت به آیاتی دقیق بر می‌خورند، که دلالت می‌کند بر این‌که عالم صنع و ایجاد با نظامی که در آن جاری است، ممکن نیست پدید آید مگر از ناحیه خدا و نیز ممکن نیست منتهی شود مگر به سوی او.(۱)

۱– المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۹.

آیت اختلاف رنگ و زبان (۷۵)

آیت دگرگونی در رنگ‌های طبیعت

«وَ ما ذَرَاَلَکُمْ فِی‌الْاَرْضِ مُخْتَلِفا اَلْوانُهُ اِنَّ فی ذلِکَ لَایَةً لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ وَ...!» (۱۳ / نحل)

کلمه «ذَرْء» به معنای خلق کردن است و اختلاف الوان معادن و سایر مرکبات عنصری است که از زمین خلق کرده و بشر از آن منتفع می‌شود و بعید نیست که اختلاف الوان کنایه از اختلاف نوعی باشد. و در آن صورت آیه مورد بحث قریب المعنای با آیه «وَ فِی الْاَرْضِ قِطَعٌ مُتَجوِراتٌ وَ جَنّتٌ مِنْ اَعْنبٍ وَ زَرْعٌ وَ

(۷۶) نظام آفرینش

نَخیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْاُکُلِ» (۴ / رعد) خواهد بود.

و اختلاف الوان آن‌چه که در زمین خلق کرده از گیاهان و درخت‌ها و میوه‌ها امری است که با آن می‌توان بر وحدانیت و یکتایی

خدا در ربوبیت استدلال کرد و چون امر واحدی است لذا فرمود: «لَآیَهً» و نفرمود «لَآیات».(۱)

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین

«وَ مِنْ ایاتِهِ اَنْ تَقُومَ السَّماءُ وَ الْاَرْضُ بِاَمْرِهِ!» (۲۵ / روم)

۱- المیـــــــــزان ج ۲۴، ص ۵۴.

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین (۷۷)

کلمه «قیام» به معنای به پا شدن و در مقابل قعود است که به معنای نشستن است و چون معتدل‌ترین حالات آدمی - و آن حالتی که در آن بر همه کارهایش مسلط است - حالت ایستادگی است، لـذا در عرب وقتی بخواهند از ثبوت و استقرار چیزی بر معتدل‌ترین حالاتش خبر دهند، تعبیر به قیام آن چیز می‌کنند، همچنان‌که در قرآن کریم تدبیر عالم از ناحیه خدای را قیام خدا بر آن خوانده و فرموده: «اَفَمَنْ هُوَ قائِمٌ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ - آیا کسی که او قائم بر هر نفسی است به آن‌چه می‌کند.» (۳۳ / رعد) و مراد به قیام آسمان و زمین به امر خدا، ثبوت آن دو است بر حالاتی که خدا از حرکت و سکون و تغییر و ثبات به آن‌ها داده و اما این‌که کلمه «اَمْر» به چه معناست؟ آیه «اِنَّما اَمْرُهُ اذا اَرادَ شَیْئا اَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ - امر او جز این نیست که چون چیزی را بخواهد و بگوید بباش و آن چیز بی درنگ موجود شود،» جوابگوی آن است. (۸۲ / یس)(۱)

(۷۸) نظام آفرینش

۱- المیـــزان ج ۳۱، ص ۲۷۱.

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین (۷۹)

(۸۰)

فصل چهارم:آیات الهی در وجود انسان

آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان

«وَ فِی الْاَرْضِ ایاتٌ لِلْمُوقِنینَ وَ فی اَنْفُسِکُمْ اَفَلا تُبْصِرُونَ؟» (۲۰ / ذاریات)

در آیه مورد بحث اشاره‌ای است به آن عجایب و نشانه‌های روشنی که در زمین هست و بر یکتایی تدبیر آن دلالت می‌کند و معلوم است که یکتایی تدبیر قائم به یکتایی

(۸۱)

مدبر است. پس مدبر در خشکی و دریا و کوه‌ها و تل‌ها و چشمه‌ها و نهرها و معادن و منافعی که دارند یکی است، منافعی که به یکدیگر متصل و به نحوی سازگار با همند و منافعی که موجودات جاندار در آن از نبات و حیوان گرفته (تا انسان) از آن بهره‌مند می‌شود، نظامی که همچنان ادامه دارد و به صرف تصادف و اتفاق پدید نیامده و آثار قدرت و علم و حکمت از سراپایش هویداست و می‌فهماند که خلقت و تدبیر امرش منتهی به‌خالقی است مدبر و قادر و علیم و حکیم.

پس به هر سو از جوانب عالم که توجه کنیم و به هر حیث از جهات تدبیر عام جاری در آن روی می‌آوریم، می‌بینیم آیتی است روشن و برهانی است قاطع بر وحدانیت رب آن و این‌که رب عالم شریکی ندارد، برهانی که در آن حق و حقیقت برای اهل یقین جلوه می‌کند، پس در این عالم آیاتی است برای موقنین.

(۸۲) نظام آفرینش

- «وَ فی اَنْفُسِكُمْ اَفَلا تُبْصِرُونَ - و در جان‌های خود شما آیات روشنی است برای کسی که ببیند آن را و به نظر دقت در آن بنگرد آیا نمی‌بینید؟»

آیات و نشانه‌هایی که در نفوس خود بشر هست چند جور است: یک عده آیات موجود در خلقت انسان، مربوط به طرز ترکیب‌بندی اعضای بدن و قسمت‌های مختلف اجزای آن اعضاء و اجزاء اجزاء است، تا برسد به عناصر بسیط آن و نیز آیاتی است که در افعال و آثار آن اعضاء است که در همه آن اجزاء با همه کثرتش اتحاد دارد و در عین اتحادش احوال مختلفی در بدن پدید می‌آورد.

آیات دیگری در تعلق نفس یعنی روح به بدن هست که یکی از آن آیات پدید آمدن حواس پنجگانه است که اولین رابطه‌ای است که انسان را به محیط خارج خود آگاه می‌سازد و به وسیله این حواس خیر را از شر تمیز می‌دهد.

آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان (۸۳)

تازه در هر یک از این حواس پنجگانه نظامی حیرت‌انگیز و وسیع وجود دارد، نظامی که ذاتا هیچ ربطی به نظام حس دیگر ندارد. با این‌که این حواس پنجگانه بیگانه از هم و جدای از همند، تحت یک تدبیر اداره می‌شوند و مدبر همه آن‌ها یکی است و آن هم نفس آدمی است و خدای‌تعالی در ورای نفس، محیط به آن و عملکرد آن است.

بعضی دیگر از آیات نفوس، سایر قوایی است که از نفوس منبعث می‌شوند و در بدن‌ها خود را نشان می‌دهند، مانند قوه غضب و نیروی شهوت و لواحق و فروع این دو نیرو، که این قوا و فروع آن‌ها هم هر یک با دیگری از نظر نظامی که دارد جداست، در عین این‌که هر دو قوا تحت یک تدبیر اداره می‌شوند و فروع هر یک دست به دست هم می‌دهند تا خدمتگزار آن نیرو باشند.

این نظام تدبیر که برای هر یک از این قوا هست از همان روز اولی که وجود یافت،

(۸۴) نظام آفرینش

موجود بود بدون حتی یک لحظه فاصله.

یک دسته آیات نفوس، آیات روحی است که کسانی به آن اطلاع می‌یابند که به نفوس خود مراجعه نموده و آیاتی را که خدای سبحان در آن‌ها قرار داده، آیاتی که هیچ زبانی نمی‌تواند آن را وصف کند، ببینند، آن وقت است که باب یقین برایش گشوده می‌شود و برای چنین کسی است که به تدریج ایمانش نو به نو دست داده، در آخر از موقنین می‌گردد، آنان که ملکوت آسمان‌ها و زمین را خواهند دید.(۱)

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن

۱- المیزان ج ۳۶، ص ۲۷۷.

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن (۸۵)

«وَ مِنْ ایاتِهِ اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ اِذا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ!» (۲۰ / روم)

منظورازاین‌که فرمود «شمارا از خاک خلق کرده» این است که خلقت شما افراد بشر بالاخره منتهی به زمین می‌شود، چون مراتب تکون و پیدایش انسان چه‌مرتبه نطفه و چه علقه و چه‌مضغه و چه‌مراتب بعد ازآن بالاخره از موادغذایی زمین‌است، که‌پدر یک انسان و سپس مادر او می‌خورد و فرزند در صلب پدر و سپس در رحم مادر رشد می‌کند، پس انسان پیدایشش از عناصر زمین است .

در جمله «ثُمَّ اِذا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرونَ،» کلمه «اذا» معنای ناگهان را می‌رساند، و معنای جمله این است که خداوند شما را از زمین خلق کرد، ناگهان انسانی تمام عیار شدید و به روی زمین منتشر گشتید. با این‌که از زمین مرده انتظار می‌رود مرده‌ای

(۸۶) نظام آفرینش

دیگر پدید آید، نه موجودی جاندار، لکن ناگهانی و یک دفعه موجودی زنده و با شعور و عقل گشته، برای تدبیر امر زندگی خود در روی زمین به جنب و جوش در آمدید، پس جمله «ثُمَّ اذا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ،» در معنای همان جمله «ثُمَّ اَنْشَأْناهُ خَلْقا اخَرَ - سپس او را موجودی دیگر آفریدیم،» می‌باشد.

پس خلقت انسان یعنی جمع کردن اجزاء و مواد زمینی و آن‌ها را به هم ترکیب کردن و روی هم آن را انسانی دارای حیات و شعور عقلی ساختن، آیتی و یا آیتی دیگر است، که بر وجود صانعی زنده و علیم دلالت می‌کند، صانعی که امور را تدبیر می‌کند و این نظام عجیب و غریب را به وجود می‌آورد.(۱)

۱- المیـــزان ج ۳۱، ص ۲۶۶.

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن (۸۷)

چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر جنبندگان و نظام آن وجود دارد؟

«وَ فی خَلْقِکُمْ وَ ما یَبُثُّ مِنْ دابَّةٍ آیاتٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ!» (۴ / جاثیه)

- و خود شما از حیث وجودتان، که وجودی است مخلوق و نیز در جنبندگان از این حیث که خدای‌تعالی خلقشان کرده و در زمین متفرق و پراکنده ساخته، آیاتی است برای مردمی که راه یقین را سلوک می‌کنند.

خلقت انسان علاوه بر این‌که موجودی است زمینی و مرتبط به ماده، نوع دیگری است از خلقت که با خلقت آسمان‌ها و زمین اختلاف دارد. برای این‌که آسمان‌ها و زمین تنها موجودی مادی هستند، ولی ایشان موجودی است مرکب از بدنی مادی،

(۸۸) نظام آفرینش

و ترکیب یافته از مواد عنصری و زمینی، که با مرگ فاسد و متلاشی می‌شود و از چیزی دیگر ورای ماده، چیزی که از سنخ عالم بالا و مجرد از ماده است. و به همین جهت با مرگ فاسد نمی‌شود، بلکه در هنگام مرگ بدن متوفی می‌شود، یعنی به تمام و کمال گرفته می‌شود و نزد خدا محفوظ می‌ماند و این چیز همان است که قرآن آن را روح نامیده و فرمود: «و از روح خود در آن دمیدیم.» (۲۹ / حجر)

و نیز بعد از آن‌که خلقت انسان از نطفه و سپس از علقه و آن‌گاه از مضغه و در آخر تکمیل ساختمان بدنی او را ذکر می‌کند و می‌فرماید: «ثُمَّ اَنْشَأْناهُ خَلْقا اخَرَ - سپس او را خلقتی دیگر کردیم،» (۱۴ / مؤمنون) و نیز درباره حقیقت مرگش که چیست فرموده: «بگو آن فرشته مرگ که موکل بر شماست شما را تمام و کامل تحویل می‌گیرد.» (۱۱/سجده)

چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر... (۸۹)

پس کسی که در خلقت انسان تدبیر و نظر می‌کند، در حقیقت در یک آیت ملکوتی نظر می‌افکند، آیتی ورای آیات مادی و همچنین ناظر در خلقت جنبندگان، چون آن‌ها نیز جان دارند، (دارای حیات و شعورند، هر چند از نظر حیات و شعور و همچنین از نظر تجهیزات بدنی پایین‌تر از انسانند، ولی همه آن‌ها برای کسی که اهل یقین باشد آیت‌ها هستند، و اهل یقین با سیر و تفکر در خلقت آن‌ها خدای سبحان را می‌شناسند، و به وحدانیت و بی‌شریکی‌اش در ربوبیت و الوهیت پی می‌برند.(۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۴.

(۹۰) نظام آفرینش

بخش دوم:نظام آفرینش جهان

فصل اول :نظام عمومی و نظام خصوصی

مکتب توحید و نظام آفرینش

(۹۱)

(۹۲)

«وَ اِلهُکُـمْ اِلـهٌ واحِـدٌ لا اِلهَ اِلّا هُـوَ الـرَّحْمـنُ الرَّحیمُ اِنَّ فی خَلْقِ السَّمـاواتِ وَ الْاَرْضِ وَ...!» (۱۶۳ و ۱۶۴ / بقره)

مفهوم «وحدت» از مفاهیم بدیهی است که در تصور آن هیچ حاجت به آن نیست که

(۹۳)

کسی آن را برای ما معنا کنـد. جمله «اِلهُکُمْ اِلهٌ واحِدٌ،» با همه کوتاهی‌اش می‌فهماند، که الوهیت مختص و منحصر به خدای‌تعالی است و وحدت او وحدتی مخصوص است، وحدتی که لایق ساحت قدس اوست. در چنین زمینه‌ای اگر قرآن کریم بفرماید: معبود شما واحد است، ذهن شنونده به آن وحدتی متوجه می‌شود که کلمه «واحد» در نظرش به آن معناست. جمله «لا اِلهَ اِلّا اللّهِ» نص و صراحت جمله قبلی را تأکید می‌کند و تمامی توهم‌ها و تأویل‌هایی که ممکن است درباره عبارت قبلی به ذهن آید، برطرف می‌سازد.

قرآن کریم اصل وجود خدای‌تعالی را بدیهی می‌داند. یعنی عقل برای پذیرفتن وجود خدای‌تعالی احتیاجی به برهان نمی‌بیند. و هر جا از خدا صحبت کرده، عنایتش همه در این است که صفات او را از قبیل وحدت و یگانگی و خالقیت و علم و قدرت و یا صفات دیگر او را اثبات کند.

(۹۴) نظام آفرینش

- «به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز و کشتی‌ها که در دریا روان می‌شوند با آن‌چه به مردم سود می‌رساند و آن‌چه خدا از (نوع) آب از آسمان فرود می‌آورد و زمین‌را که مرده‌بود با آن زنده‌می‌کند و در آن همه گونه جنبنده را پراکند و در گردش بادها و (در) ابرهای مسخر میان آسمان و زمین، (در همه) آیات و نشانه‌های (خداست) برای گروهی که می‌اندیشنـد.» (۱۶۴ / بقره)

این آیه پیرامون همان معنایی استدلال می‌کند که آیه قبلی متضمن آن بود. چون آیه سابق اگر شکافته شود معنایش این می‌شود که - برای هر موجودی از این موجودات، الهی است و اله همه آن‌ها یکی است و این اله یگانه و واحد، همان اله شماست و او رحمن است چون رحمتی عمومی دارد و رحیم است چون رحمتی خصوصی دارد و هر کسی را به سعادت نهایی‌اش - که همان سعادت آخرت است - سوق می‌دهد. پس این‌ها

مکتب توحید و نظام آفرینش (۹۵)

همه حقایقی هستند حقه... .

و در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، تا آخر آن‌چه در آیه ذکر شده، آیاتی است که بر این حقایق دلالت می‌کند، البته برای مردمی که تعقل کنند. نامبرده‌ها این معنا را افاده می‌کنند که نظامی در سراسر جهان برقرار است و تدبیری به هم پیوسته دارد.

آیه نخست اثبات می‌کند اله موجودات دیگر غیر انسان و نظام کبیری که در آن‌هاست یکی‌است و سپس اثبات‌می‌کند که همان یک اله، اله انسان نیز هست - هم حجت بر وجود اله است و هم حجت بر وحدت اوست... .(۱)

۱- المیـــــــزان ج ۲، ص ۳۴۱.

(۹۶) نظام آفرینش

آفریننده واحد نظام آفرینش

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْكِ الَّتی تَجْری فِیالْبَحْرِ... .»(۱۶۴ / بقره)

دلالت آیه بر مسئله توحید این است که می‌فرماید: این آسمان‌ها که بر بالای ما قرار گرفته، با همه بدایعی که در خلقت آن‌هاست و این زمینی که ما را در آغوش گرفته و بر پشت خود سوار کرده، با همه عجایبی که در آن است و با همه غرایبی که در

آفریننده واحد نظام آفرینش (۹۷)

تحولات و انقلاب‌های آن از قبیل اختلاف شب و روز و جریان کشتی‌ها در دریاها و نازل شدن باران‌ها و وزیدن بادهای گردنده و گردش ابرهای تسخیر شده، همه اموری هستند فی نفسه نیازمند به «صانعی» که ایجادشان کند. پس برای هر یک از آن‌ها «الهی» است «پدید آورنده».

این صورت برهان اولی است که آیه شریفه بر مسئله توحید اقامه کرده است.(۱)

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۶۴.

(۹۸) نظام آفرینش

نظام عمومی آفرینش

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْكِ الَّتی تَجْری فِیالْبَحْرِ... .» (۱۶۴ / بقره)

برهان دیگر را از راه نظامی که در عالم است اقامه نموده و حاصل آن این است که - این اجرام زمینی و آسمانی که از نظر حجم و کوچکی و بزرگی و هم دوری و نزدیکی مختلفند، به طوری که تحقیقات علمی به دست آورده، کوچکترین حجم یکی از آن‌ها ۴۰:۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۳۳ سانتی‌مترمکعب است و بزرگترین آن‌ها حجمش میلیون‌ها برابر حجم زمین است.

نظام عمومی آفرینش (۹۹)

کره‌ای که قطرش تقریبا معادل ۹۰۰ مایل است و فاصله میانه دو ستاره و دو جرم آسمانی، قریب به سه میلیون سال نوری است. (و سال نوری تقریبا برابر است با رقم ۳۶۵×۲۴×۶۰×۶۰×۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر) و خلاصه این ارقام دهشت‌آور را نیک بنگر و آن‌گاه خودت حکم خواهی کرد: که چه اندازه نظام این عالم بدیع و شگفت‌آور است، عالمی که با همه وسعتش هر ناحیه‌اش در ناحیه دیگر اثر می‌گذارد و در آن دست‌اندازی می‌کند. و هر جزئش در هر کجا که واقع شده باشد از آثاری که سایر اجزاء در آن دارند متأثر می‌شود. جاذبه عمومی‌اش یکدیگر را به هم متصل می‌کند و نورش و حرارتش همچنین. و با این تأثیر و تأثر سنت حرکت عمومی و زمان عمومی را به جریان می‌اندازد.

و این نظام عمومی و دائم و تحت قانونی ثابت است و حتی قانون نسبیت عمومی هم

(۱۰۰) نظام آفرینش

که قوانین حرکت عمومی در عالم جسمانی را محکوم به دگرگونی می‌داند، نمی‌تواند از اعتراف به این‌که خودش هم محکوم قانون دیگری است، خودداری کند، قانونی ثابت در تغییر و تحویل (یعنی تغیر و تحول در آن قانون ثابت و دائمی می‌باشد)... (۱).

نظام‌های خصوصی در اجرام و در ذرات

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْكِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ... .» (۱۶۴ / بقره)

۱- المیـزان ج ۲، ص ۳۴۷.

نظام‌های خصوصی در اجرام و در ذرات (۱۰۱)

و از سوی دیگر این حرکت و تحول عمومی در هر جزء از اجزای عالم به صورتی خاص به خود دیده می‌شود. در بین کره آفتاب و سایر کراتی که جزو خانواده این منظومه‌اند، به یک صورت است. هرچه پایین‌تر می‌آید، دایره‌اش تنگ‌تر می‌گردد. تا در زمین ما در دایره‌ای تنگ‌تر، نظامی دیگر به خود می‌گیرد، حوادث خاص بدان و جرم ماه که باز مختص بدان است و شب و روز و وزش بادها و حرکت ابرها و ریزش باران‌ها در تحت آن نظام اداره می‌شود.

باز این دایره نسبت به موجوداتی که در زمین پدید می‌آیند، تنگ‌تر می‌شود و در آن دایره معادن و نباتات و حیوانات و سایر ترکیبات درست می‌شود و باز این دایره در خصوص یک یک انواع نباتات، حیوانات، معادن و سایر ترکیبات تنگ‌تر می‌شود،

(۱۰۲) نظام آفرینش

تا آن‌که نوبت به عناصر غیر مرکب برسد و باز به ذرات و اجزای ذرات و در آخر به آخرین جزئی که تاکنون علم بشر بدان دست یافته برسد، یعنی به الکترون و پروتون، که تازه در آن ذره خرد، نظامی نظیر نظام در منظومه شمسی می‌بینیم، هسته‌ای در مرکز قرار دارد و اجزای دیگر دور آن هسته می‌گردند، آنچنان که ستارگان به دور خورشید در مدار معین می‌گردند و در فلکی حساب شده، شنا می‌کنند... !(۱)

تحول و دگرگونی در نظام‌ها

۱- المیــــــــزان ج ۲، ص ۳۴۸.

تحول و دگرگونی در نظام‌ها (۱۰۳)

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

انسان در هر نقطه از نقاط این عالم بایستد و نظام هر یک از این عوامل را زیر نظر بگیرد، می‌بیند که نظامی است دقیق و عجیب و دارای تحولات و دگرگونی‌های مخصوص به خود، دگرگونی‌هایی که اگر نبود، اصل آن عالم پای برجا نمی‌ماند و از هم پاشیده می‌شد. دگرگونی‌هایی که سنت الهی با آن زنده می‌ماند، سنتی که عجایبش تمام‌شدنی نیست و پای خرد به کرانه‌اش نمی‌رسد...(۱)

وحدت و هماهنگی در نظام آفرینش

۱- المیــــزان ج ۲، ص ۳۴۸.

(۱۰۴) نظام آفرینش

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

در جریان نظام آفرینش حتی به یک نقطه استثنا بر نمی‌خوریم. هیچ تصادفی هر چند به ندرت در آن رخ نمی‌دهد، نظامی است که نه تاکنون و نه هیچ‌وقت، عقل بشر به کرانه‌اش نمی‌رسد و مراحلش را طی نمی‌کند.

اگر از خردترین موجودش چون مولکول شروع کنی و به طرف مرکباتی که از آن ترکیب یافته بالا-بیایی، تا برسی به منظومه شمسی و کهکشان‌هایی که تاکنون به چشم مسلح دیده شده، بیش از یک عالم و یک نظام نمی‌بینی و اگر از بالا شروع کنی و

وحدت و هماهنگی در نظام آفرینش (۱۰۵)

کهکشان‌ها را یکی پس از دیگری از هم جدا نموده، منظومه‌ها را از نظر بگذرانی و تک تک کرات را و سپس کره زمین و در آخر ذره‌ای از آن را تجزیه کنی تا به مولکول برسی، باز می‌بینی از آن عالم واحد و آن نظام واحد و آن تدبیر متصل چیزی کم

نشده، با این‌که هیچ دو تایی از این موجودات را مثل هم نمی‌بینی: دو تا انسان، دو تا گوسفند، دو تا شاخه توت، دو تا برگ گردو، دو تا مگس و بالاخره هر جفت جفت موجودات را در نظر بگیری، خواهی دید که هم ذاتا مختلفند و هم حکما و هم شخصا.

پس روبرهم عالم یک چیز است و تدبیر حاکم بر سراپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخر برای یک نظام است، هر چند که اجزایش بسیار و احکامش مختلف است: «عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ ـ همه وجوه برای خدای حی و قیوم خاضع است.» (۱۱۱ / طه)

(۱۰۶) نظام آفرینش

پس اله عالم که پدیدآورنده آن و مدبر امر آن است، نیز یکی است. (۱)

وحدت نظام انسان و نظام جهان

«اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

برهان سومی که در آیه اقامه شده از راه احتیاج انسان است، که می‌فرماید: این انسان، که یکی از پدیده‌های زمینی است، در زمین زنده می‌شود و زندگی

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۸.

وحدت نظام انسان و نظام جهان (۱۰۷)

می‌کند و سپس می‌میرد و دوباره جزو زمین می‌شود، در پدید آمدنش و بقایش، به غیر این نظام کلی که در سراسر عالم حکمفرماست و با تدبیری متصل سراپای عالم را اداره می‌کند، به نظام دیگری احتیاج ندارد.

این اجرام آسمانی در درخشندگی و حرارت، این زمین در شب و روزش و بادها و ابرها و باران‌هایش و منافع و کالاهایی که از هر قاره به قاره دیگرش منتقل می‌شود، همه این‌ها مورد احتیاج آدمی است و زندگی انسان و پیدایش و بقایش بدون آن تدبیر نمی‌شود. و خدا از ماورای همه این‌ها محیط به آدمی است - پس وقتی نظام هستی انسان و همه عالم یکی است، نتیجه می‌گیریم که اله و پدیدآورنده و مدبر آن، همان اله و پدیدآورنده و مدبر امر انسان است.

در آیه مورد بحث بعد از اقامه سه برهان بر وحدت اله، که در آیه قبل ادعا شده بود،

(۱۰۸) نظام آفرینش

برهانی هم بر دو اسم رحمان و رحیم اقامه کرده است.

بیان آن برهان این است که این اله، که مایحتاج هر چیزی را به او داده و آن‌چه را که هر چیز در رسیدن به سعادت وجودی‌اش و نیز در رسیدن به سعادت در غایتش و اگر غیر از زندگی در دنیا آخرتی هم دارد، در رسیدن به غایت اخرویش، بدان نیازمند است، در اختیارش گذاشته، چنین الهی رحمان و رحیم است.

رحمان - بدین جهت که مایحتاج مادی تمام موجودات را فراهم کرده است. رحیم - بدین جهت که مایحتاج آدمی را در رسیدن به سعادت آخرتش در دسترس او گذاشته است.

چه‌طورممکن‌است‌خدایی که‌عاقبت امر انسان و آخرت‌او را تدبیرکرده،غیرآن خدایی باشد که خود انسان را تدبیر می‌کند؟(۱)

وحدت نظام انسان و نظام جهان (۱۰۹)

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۹.

(۱۱۰) نظام آفرینش

(۱۱۱)

فصل دوم :نظام آفرینش و آفریننده جهان

نظام حق و چگونگی حق بودن الهی

«ذلِکَ بِاَنَّ اللّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ اَنَّهُ یُحْیِی الْمَوْتی وَ اَنَّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ!» (۶ / حج)

اشاره‌آیه به‌مطالبی‌است‌که در آیه‌قبلی آمده‌بود و آن‌خلقت‌انسان و گیاه بود و تدبیر

(۱۱۲)

امر آن‌ها از نظر حدوث و بقاء و هم از نظر خلقت و تدبیر، امری است دارای واقعیت، که کسی نمی‌تواند در آن‌ها تردید کند. آن‌چه از سیاق بر می‌آید این است که مراد از «حق» خود «حق» است. می‌خواهد بفرماید: خدای‌تعالی خود حق است و حقی که هر موجودی را تحقق می‌دهد و در همه چیز نظام حق جاری می‌کند، پس همین که خدای‌تعالی حق است و هر چیزی تحققش به‌اوست، سبب‌شده‌که این‌موجودات حق و نظام‌های حق‌جاری در آن به‌وجودآید و همه این‌ها کشف می‌کند از این‌که او حق است. جمله «وَ اَنَّهُ یُحْیِی الْمَوْتی،» عطف است به مطلب آیه قبل و آن عبارت بود از انتقال دادن خاک مرده را از حالی به حالی و رساندنش به انسانی زنده و نیز انتقال دادن زمین مرده را به وسیله آب، به صورت نباتی زنده و این کار همچنان ادامه دارد، به‌خاطر

نظام حق و چگونگی حق بودن الهی (۱۱۳)

این‌که‌او کارش زنده کردن مردگان است.(۱)

۱– المیــــــــــــزان ج ۲۸، ص ۲۰۷.

(۱۱۴) نظام آفرینش

مفهوم حق در خلقت

«وَ خَلَقَ‌اللّهُ‌السَّمواتِ وَالاَرْضَ بِالْحَقِّ!»(۲۲ / جاثیه)

ظاهرا مراد از سماوات و ارض، کل عالم محسوس باشد و می‌فهماند که خلقت عالم در جامه حق صورت گرفت و باطل و بازیچه نبوده است.

حق بودن این عالم کون و فساد به این است که برای آن غایتی و هدفی ثابت و باقی در ماورای آن باشد.

به حق بودن خلقت اقتضا می‌کند که در ماورای این عالم و بیرون از آن عالمی دیگر باشد، که در آن عالم موجودات جاودانه شوند و به عدل بودن خلقت هم این

مفهوم حق در خلقت (۱۱۵)

اقتضا را دارد که هر نفسی، جزایی که استحقاق دارد داده شود: «وَ لِتُجْزی کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ!»(۱)

علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ خَلَقَ السَّمواتِ وَ الاَرْضَ بِالْحَقِّ...؟» (۱۹ / ابراهیم)

– (آیا نمی‌بینی که خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؟)

۱– المیــــــــــــزان ج ۳۵، ص ۲۸۲.

(۱۱۶) نظام آفرینش

مقصود از دیدن، علم قاطع است. آری علم است که می‌تواند به کیفیت خلق آسمان‌ها و زمین تعلق بگیرد، نه رؤیت به

چشـم.

فعـل خـدای تعـالی (خلقت این عـالـم) از این نظر حق است که در مـاورای خود و بعـد از انعـدام خود اثر و خلـف و هـدفی باقی می‌گـذارد و اگر غیر از این بود و دنبال این عالم اثری باقـی نمی‌ماند، فعـل خـدای‌تعالـی باطـل بود.

فعل و عمل وقتی حق است که در آن خاصیتی باشد که فاعل منظورش از آن فعل همان خاصیت باشد و با عمل خود به سوی همان خاصیت پیش برود و اما اگر فعلی باشد که فاعل منظوری غیر از آن فعل نداشته باشد، آن فعل باطل است. می‌بینیم هر یک از انواع موجودات این جهان از اول پیـدایش و تکون خود متوجه نتیجه و غایتی است نشان شده، که جز رسیـدن به آن غایت هدف دیگری ندارد. و نیز

علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن (۱۱۷)

می‌بینیم که بعضـی از این انواع غایت بعض دیگر است. ماننـد عناصـر زمین که گیاهان از آن بهره‌منـد می‌شونـد و ماننـد گیاهان که حیوانات از آن‌ها استفاده می‌برند و هم‌چنین حیوان که برای انسان خلق شده است.

بنـابراین لا‌یـزال خلقت عـالـم از مرحله‌ای به مرحله‌ای و از غایتی به غایتی شـریف‌تر پیش می‌رود، تا آن‌که به غایتی برسـد که غایتی مافوق آن نیست و آن بازگشت به سوی خدای سبحان است: «وَ اَنَّ اِلی رَبِّکَ الْمُنْتَهی!»(۱)

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعـی

۱- المیـــــزان ج ۲۳، ص ۶۳.

(۱۱۸) نظام آفرینش

«الآمر آ تِلْکَ ایاتُ الْکِتبِ وَ الَّذی اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ...!» (۱ تا ۳ / رعد)

سیاق آیه فوق سـیاق اقامه حجت است بر توحیـد ربوبیت، نه بر اثبات صانع و یا توحید او و خلاصه آن حجت این است که اختلاف اثری کـه در موجـودات هست بـا این‌که مـاده اصـلی همه آن‌هـا یکی است، از این حقیقت پرده بر می‌دارد که همه مسـتند به سـببی هستند ورای این اصل مشترک که انتظام آن از مشیت و تدبیر اوست، پس مدبر عالم خدای سبحان است و همو رب آن است و ربی غیر آن ندارد. این است خـلاصه حـجتی که آیـه در مقام بیان آن است.

فرق میان دو حجت و دلیل یعنی حجت: «وَ هُوَ الَّذی مَدَّ الاَرْضَ،» و حجت «وَ فِی

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی (۱۱۹)

الاَرْضِ قِطَعٌ مُتَجوِراتٌ،» این است که اولی توحیـد ربوبیت را از وحـدتی که در کثرت مشاهـده می‌شود و ارتبـاط و اتصـالی که در تدبر همه موجودات عالم با همه کثرتش دیده می‌شود اثبات می‌نماید و می‌رساند که مدبر آن یکی است.

ولی دومی که به عکس اولی این مـدعا را از طریـق کـثرت خـواص و آثـار در موجوداتی که در شـرایط واحـدی قرار دارنـد اثبـات می‌کنـد، اولی از طریق وحدت در کثرت، دومی از راه کثرت در وحدت و می‌رساند که اختلاف آثار و خواص موجودات با این‌که اصل همه یکی است خود کاشف از وجود مبـدئی است که این آثار و خواص مختلف و متفرق را افاضه می‌کند و خود امری اسـت مـاورای طبایع این موجودات و سـببی است فوق این اسـباب که گفتیم اصـلشان واحـد است و او رب همه است و ربی غیر او نیست.

حجت: «اَللّهُ الَّذی رَفَعَ السَّمواتِ،» دلیل بود که مدعا را از هر دو طریق اثبات می‌کرد.

(۱۲۰) نظام آفرینش

حاصـلش ایـن است که امر عـالم بـا همه تشـتت و تفرقی که دارد، تحت تـدبیر واحـدی اداره می‌شـود،پس به‌همین‌دلیـل رب آن نیز واحداست و آن خدای‌سبحان است و خداوند تعالی که آیات را تفصیل می‌دهد و هر یک را از دیگری متمایز و جدا می‌سازد و در

نتیجه سعید از شقی و حق از باطل جدا می گردد و این همان معاد است، پس خداوندمتعال از این برهان خود دو نتیجه می گیرد، یکی مبدأ و یکی هم معاد. و درباره معاد می‌فرماید: «لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ!»(۱)

۱- المیــــــزان ج ۲۲، ص ۱۷۵.

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی (۱۲۱)

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء به خدای تعالی

«ذلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُم لآ اِلهَ اِلّا هُوَ خلِقُ کُلِّ شَیْءٍ!»

- این خـدای یکتاسـت کـه پـروردگـار شماسـت، خدایی جـز او نیسـت، خالـق همـه‌چیـز اسـت...! (۱۰۲ / انعـام)

عده‌ای چون دیده‌اند که خدای تعالی خلقت تمامی اشیاء را به خود نسبت داده و در عین حال رابطه علیت و معلولیت را هم صحیح و مسلم دانسته است، پیش خود برای رفع این تنافی گفته‌اند: خدای تعالی تنها علت ایجاد اشیاء است و اما بقای اشیاء مستند است به همین علت‌هایی که خود ما به علت آن‌ها پی برده‌ایم و اگر خدای‌تعالی در بقاء هم علیت

(۱۲۲) نظام آفرینش

داشـــت لازم می‌آمـــد دو علـــت مســـتقل در یـــک معلـــول تـــوارد و اجتمـــاع کننـــد و لـــذا می‌بینیـــم این دسته‌ازعلماهمیشه‌سعی‌دارند،وجودصانع‌عالم را به‌وسیله حدوث‌موجودات‌اثبات کنند و به‌حدوث انسان بعدازنبودش و حدوث‌زمین و حدوث‌عالم بعدازعدمش تمسک جویند.

و نیز می‌بینیم که در اثر این اشتباه حدوث و وجود هر چیزی را که به علت حدوثش برخورده‌اند، مستند به آن علت دانسته و حدوث امثال روح و زندگی انسانی و حیوانی و نباتی را مستند به خود خدای‌تعالی دانسته و طبقه بی‌سوادتر آنان امثال ابر و باران و برف و ستاره‌های دنباله‌دار و زلزله و قحطسالی و مرض‌های عمومی را که فهم عامیانه آنان به علل طبیعی آن‌ها نرسیده نیز مستند به خدای‌تعالی دانسته و در نتیجه هر وقت به علت طبیعی یکی از آن‌ها پی می‌برند با شرمساری از گفته قبلی خود - علت این گونه حوادث خود خدای تعالی است - چشم پوشیده و یا در برابر خصم تسلیم می‌شوند.

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء... (۱۲۳)

عده کثیری از دانشمندان علم کلام همین درک ساده عوامی را به صورت یک مطلب علمی درآورده و گفته‌اند: وجود ممکن تنها در حدوثش محتاج به واجب‌الوجود است نه در بقاء؛ حتی بعضی از آنان تصریح کرده‌اند که اگر هم فرض کنیم خدایی نباشد عالمی که آن خدا آفرید و رفت باقی خواهد ماند و چرخش به طور اتوماتیک خواهد گردید و به نظر چنین می‌رسد که این حرف از ناحیه یهودی‌ها در بین مسلمین رخنه یافته و ذهن پاره‌ای از علمای کم بضاعت اسلام را مشوب نموده و در نتیجه حرف‌های دیگری از قبیل محال بودن بداء و نسخ را هم بر آن متفرع کرده‌اند و هنوز هم که هنوز است این قبیل حرف‌ها در میان مردم در دهان‌ها می گردد.

به هر حال شبهه نامبرده موهوم‌ترین شبهات و پست‌ترین اوهام است و احتجاجات قرآن کریم مخالف آن است. چون قرآن کریم تنها به مثل روح استدلال بر وجود صانع

(۱۲۴) نظام آفرینش

نکرده و بلکه به تمامی آیات مشهوده در عالم و نظام جاری در هر نوع از انواع مخلوقات و تغییر و تحول و فعل و انفعال آن‌ها و منافعی که از هر یک از آن‌ها استفاده می‌شود، استدلال کرده است و این مخالف با آن نظریه است. چون خداوند همه عالم و عوامل آن را چه مشهود و چه غیر مشهود معلول و مصنوع خود دانسته و به وجود آفتاب و ماه و ستارگان و طلوع و غروب آن‌ها و

منافعی که مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند و چهار فصلی که در زمین پدید می‌آورند و هم‌چنین به وجود دریاها و نهرها و کشتی‌هایی که در آن‌ها جریان می‌یابد و ابرها و باران‌ها و منافعی که از ناحیه آن‌ها عاید بشر می‌شود و هم‌چنین به وجود حیوانات و نباتات و احوال طبیعی و تحولاتی که دارند از قبیل نطفه بودن و سپس جنین‌شدن و کودك و جوان و پیرشدن آن‌ها و سایر تحولاتشان بر وجود صانع استدلال کرده است.

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء... (۱۲۵)

و حال آن‌که تمامی آن‌چه که خدای‌تعالی به آن استدلال بر وجود صانع کرده و آن‌ها را معلول خود دانسته همه معلول موجوداتی قبل از خود و از سنخ خود هستند، موجودات امروز علت موجودات فردا و موجودات فردا معلول موجودات امروزند. و اگر بقای موجودات بی‌نیاز از وجود خدای‌تعالی بود و به طور طبیعی و خودکار جریان علیت و معلولیت همچنن در بین آن‌ها ادامه داشت، استدلال‌های نامبرده قرآن کریم هیچ‌کدامش صحیح و بجا نبود.(۱)

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین و رابطه آن با ولایت و شفاعت الهی

۱- المیـــــزان ج ۱۴، ص ۱۴۳.

(۱۲۶) نظام آفرینش

«اَللّهُ الَّذی خَلَقَ السَّمواتِ وَ الْاَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فی سِتَّةِ اَیّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی‌الْعَرْشِ ما لَکُم مِنْ دُونِه مِنْ وَلِیٍّ وَ لاشَفیعٍ!»(۴/سجده)

تعبیر به استواء در عرش کنایه است از مقام تدبیر موجودات و به نظام در آوردن آن‌ها، نظامی عام و پیوسته، که حاکم بر همه آن‌ها باشد. اگر بعد از خلقت آسمان‌ها و زمین مسئله استواء بر عرش را ذکر کرد برای این بود که سخن در اختصاص ربوبیت و الوهیت به خدای یگانه بود. چون بین خلقت و تدبیر ملازمه هست، یعنی یکی از دیگری جدایی‌پذیر نیست.

باز به همین جهت بعد از ذکر استواء بر عرش نمونه‌ای از تدبیر خدا را ذکر نموده، فرمود: «ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ ما لَکُم مِنْ دُونِه مِنْ وَلِیٍّ وَ لا شَفیعٍ،» چون ولایت و

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۲۷)

شفاعت نیز مانند استواء بر عرش از شئون تدبیر است.

«ما لَکُم مِنْ دُونِه مِنْ وَلِیٍّ وَ لا شَفیعٍ!»

«وَلیّ» به معنای کسی است که مالك تدبیر امر چیزی باشد و معلوم است که امور ما و آن شئونی که قوام حیات ما با آن‌هاست قائم به هستی است و محکوم و در تحت تدبیر نظام عامی است که حاکم بر همه هستی است و نیز محکوم به نظام خاصی است که خود ما انسان‌ها داریم و نظام هر چه باشد چه عامش و چه خاصش از لوازم و خصوصیاتی است که خلقت هر چیزی دارد و خلقت هم هر چه باشد مستند به خدای‌تعالی است، پس اوست که خصوصیات هر موجودی و از آن جمله انسان را داده و در نتیجه باز هموست که برای انسان نظامی مخصوص به خودش و نظامی عام مقرر کرده، پس همو مدبر و ولی ماست، که به امور ما رسیدگی نموده و شئون ما را تدبیر

(۱۲۸) نظام آفرینش

می‌کند، همانطور که ولی هر چیزی است و در این باب شریکی برایش نیست. «شَفیع» عبارت است از کسی که منضم به سببی ناقص شود و سببیت ناقص آن را تکمیل کند. هر یك از اسباب و شرایط عالم، شفیع یکدیگرند، چون سببیت یکدیگر را در تأثیر تکمیل می‌کنند، همچنان‌که هر یك از ابر، باران، آفتاب و سایه و امثال آن شفیع روییدنی‌ها هستند، چون هر یك سببیت دیگری را تکمیل می‌کنند. وقتی‌پدیدآورنده‌اسباب‌و اجزای آن‌ها و ربط‌دهنده بین‌آن‌ها و مسببات،خدای سبحان بود، پس خدا شفیع حقیقی

است، که نقص هر سبب را تکمیل می‌کند، پس شفیع واقعی و حقیقی تنهاخداست و غیر او شفیعی نیست.

به بیانی دیگر و دقیق‌تر، این‌که اسماء حسنای خدای‌تعالی واسطه‌هایی بین او و بین خلقش در رساندن فیض به ایشان هستند. مثلاً خدای‌تعالی بدان جهت که دارای اسم

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۲۹)

رازق، جواد، غنی و رحیم است به خلق خود رزق می‌دهد و بدان جهت که شافی، معافی، رؤف و رحیم است بیماران را شفا می‌دهد و بدان جهت که شدیدالبطش، ذوانتقام و عزیز است ستمکاران را هلاک می‌کند. و هم‌چنین هر فیضی را که به خلق می‌رساند، به وساطت یکی از اسماء حسنایش می‌رساند.

و بنابراین هیچ چیز از مخلوقات او که وجودش مرکب است نخواهی دید، مگر آن‌که در وجود آن، چند اسم از اسماء حسنای خدا دخالت و وساطت دارند، که این چند اسم بعضی مافوق بعضی و بعضی در عرض دیگرند و آن اسمی که از همه خصوصی‌تر است، واسطه است بین یک موجود و آن اسمی که اعم از خودش است: مثلاً اسم شافی اخص از اسم رؤف و رحیم است، چون آن فقط مربوط به شفای بیماران است ولی آن دو، هم شامل بیماران می‌شود و هم غیر آنان. به همین جهت اسم شافی واسطه می‌شود

(۱۳۰) نظام آفرینش

بین مریض و اسم رحیم و رؤف، باز اسم رحیم خصوصی‌تر از اسم قدیر است و به همین جهت واسطه می‌شود میان قدیر و بیمار... و به همین منوال سایر اسماء. این وساطت در حقیقت تتمیم تأثیر سبب در مسبب است. و یا بگو نزدیک کردن مسبب است به‌سبب تا تأثیر سبب به‌فعلیت برسد.

از این معنا نتیجه می‌گیریم که خدا شفیع می‌شود با بعضی از اسماء خود، نزد بعضی دیگر. پس صحیح است که به استعمال حقیقی گفت: که خدا شفیع است و غیر از او شفیعی نیست، (دقت بفرمایید).(۱)

۱- المیــــــــــــزان ج ۳۲، ص ۷۴.

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۳۱)

(۱۳۲)

بخش سوم :نظام ازواج

فصل اول:نظام ازواج در طبیعت

خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم

(۱۳۳)

(۱۳۴) نظام آفرینش

(۱۳۵)

«سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ الْاَزْواجَ کُلَّها مِمّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمّا لا یَعْلَمُونَ!» (۳۶ / یس)

آیه فوق اشاره می‌کند به این‌که:

(۱۳۶)

مسئله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه تمامی موجودات را از این راه پدید می‌آورد و عالم مشهود را از راه زاد و ولد تنظیم می‌فرماید. به طور کلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده، که

این دو به منزله نر و ماده حیوان و انسان و نباتند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می کند و از برخورد آن دو، موجودی سوم پدید می آید. آن گاه خدای را تنزیه کرده و می‌فرماید: «سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ الاْزْواجَ کُلَّها ـ منزه است خدایی که جفت‌ها همه را آفریده است.»

جمله «مِمّا تُنْبِتُ الاْرْضُ» با جمله بعدیش بیان ازواج است، آن‌چه که زمین می‌رویاند، عبارتست از نباتات و ممکن هم هست بگوییم شامل حیوانات (که یک نوع از آن آدمی است،) نیز می‌شود، چون این‌ها هم از مواد زمینی درست می‌شوند خدای‌تعالی

خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم (۱۳۷)

هم درباره انسان که گفتیم نوعی از حیوانات است فرموده: «وَ اللّهُ اَنْبَتَکُمْ مِنَ الاْرْضِ نَباتا ـ خدا شما را از زمین رویانید و چه رویاندنی!»

باز مؤید این احتمال این است که ظاهر سیاق بیان این است که شامل تمامی افراد مشخصی بشود، چون می‌بینیم که حیوان را در اعداد ازواج نام نبرده، با این‌که زوج بودن حیوانات در نظر همه روشن‌تر بوده، از زوج بودن نبات، پس معلوم می‌شود منظور از «مِمّا تُنْبِتُ الاْرْضُ ـ هر چه را که زمین از خود می‌رویاند،» همه گیاهان و حیوانات و انسان‌هاست.

– «وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ...،» یعنی از خود مردم، «مِمّا یَعْلَمُونَ،» یعنی از آن‌چه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقاتی که هنوز انسان از وجود آن‌ها خبردار نشده، و یا به کیفیت پیدایش آن‌ها و یا به کیفیت زیاد شدن آن‌ها اطلاع پیدا نکرده است.(۱)

۱– المیزان ج ۳۳، ص ۱۴۰.

(۱۳۸) نظام آفرینش

نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج

«فاطِرُ السَّمواتِ وَ الاْرْضِ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا وَ مِنَ الاْنْعامِ اَزْواجا یَذْرَؤُکُمْ فیهِ!»(۱۱/شوری)

معنای جمله «فاطِرُ السَّمواتِ وَ الاْرْضِ،» این است که او پدیدآورنده موجودات از کتم‌عدم است، آن هم پدیدآورنده بدون الگو و

معنای جمله «جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا،» این است که او شما را نر و ماده آفرید تا با ازدواج آن دو، مسئله توالد و تناسل

نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج (۱۳۹)

و زیاد شدن افراد صورت بگیرد. معنای جمله «وَ مِنَ الاْنْعامِ اَزْواجا،» این است که چهارپایان را هم نر و ماده آفرید. «یَذْرَؤُکُمْ فیهِ،» یعنی در این قرار دادن، شما را زیاد کرد. خطاب در جمله، هم به انسان است و هم به حیوان.

در این آیه به انحصار ربوبیت در خدای‌تعالی اقامه حجت می کند. خلاصه حجت مزبور این است که، خدای‌تعالی پدیدآورنده موجودات است و فاطر آن‌هاست. یعنی موجودات را او از کتم عدم بیرون می کند. شما را نر و ماده خلق کرد و از این راه عدد شما را بسیار کرد و هم‌چنین حیوانات را نیز نر و ماده آفرید و از این طریق آن‌ها را تکثیر نمود، تا شما (نسل به نسل) از آن حیوانات (نسل به نسل) استفاده کنید و این، هم خلقت است و هم تدبیر.(۱)

۱– المیزان ج ۳۵، ص ۴۱.

(۱۴۰) نظام آفرینش

توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج

«وَالسَّماءَ بَنَیْناها بِاَیْدٍ وَ اِنّا لَمُوسِعُونَ وَ الاْرْضَ فَرَشْناها فَنِعْمَ الْماهِدُونَ!»

(۴۷ تا ۴۹ / ذاریات)

کلمه «اَیْد»، هم به معنای قدرت است و هم به معنای نعمت. بنابر معنای اول، معنای آیه چنین می‌شود: که آسمان را با قدرتی بنا کردیم که با هیچ مقیاسی توصیف و اندازه‌گیری نمی‌شود و ما دارای وسعتی در قدرت هستیم، که هیچ چیز آن

توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج (۱۴۱)

قدرت را مبدل به عجز نمی‌کند.

بنابر معنای دوم چنین می‌شود: که ما آسمان را بنا کردیم در حالی که بنا کردنش مقارن با نعمتی بود که آن نعمت را با هیچ مقیاسی نمی‌توان تقدیر کرد و ما دارای نعمتی واسع هستیم و دارای غنایی مطلق می‌باشیم و خزانه‌های ما با اعطاء و رزق دادن پایان نمی‌پذیرد، از آسمان هر که را بخواهیم و به هر جور بخواهیم رزق می‌دهیم.

احتمال هم دارد که از کلمه «مُوسِعُونَ» منظور توسعه دادن به خلقت آسمان خواهد بود، که بحث‌های ریاضی امروز هم آن را تأیید می‌کند.

- «وَ الْاَرْضَ فَرَشْناها فَنِعْمَ الْماهِدُونَ!»

ما زمین را گستردیم و مسطحش کردیم، تا شما بتوانید روی آن قرار گیرید، و در آن ساکن شوید، پس ما چه خوب گسترنده‌ای هستیم. و البته باید دانست که

(۱۴۲) نظام آفرینش

این مسطح کردن زمین با کروی بودن آن منافات ندارد.

«وَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ!»

کلمه «زَوْجَیْنِ» به معنای هر دو چیزی است که مقابل هم باشند، یکی مؤثر و دیگری متأثر، بعضی گفته‌اند: این کلمه به معنای مطلق هر دو چیز متقابل است، مانند زن و شوهر، زمین و آسمان، شب و روز، خشکی و دریا، انس و جن.(۱)

حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان و رویش ازواج

۱- المیزان ج ۳۶، ص ۲۹۱.

حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان... (۱۴۳)

«خَلَقَ السَّمواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَ اَلْقی فِی الْاَرْضِ رَواسِیَ اَنْ تَمیدَبِکُمْ!»

(۱۰ / لقمان)

کلمه «تَرَوْنَها» احتمال دارد قید توضیحی باشد و معنا این باشد که «شما آسمان‌ها را می‌بینید که ستون ندارد،» و احتمال هم دارد قید احترازی باشد و معنا چنین باشد: «که خدا آن‌هارا بدون ستونی دیدنی خلق کرده،» تا اشعار داشته باشد به این‌که آسمان‌ها ستون دارد، لکن دیدنی نیست.

- «وَ اَلْقی فِی الْاَرْضِ رَواسِیَ اَنْ تَمیدَبِکُمْ!»

یعنی کوه‌های شامخی در زمین نهاد، تا زمین دچار اضطراب نگشته، شما را مضطرب نکند و این خود اشعار دارد بر این‌که بین کوه‌ها و

(۱۴۴) نظام آفرینش

زلزله‌ها رابطه‌ای مستقیم است.

- «وَ بَثَّ فیها مِنْ کُلِّ دابَّةٍ!»

یعنی در زمین از هر جنبده‌ای منتشر کرد.

- «وَ اَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَریم!»

یعنی نازل کردیم از جهت بالای سر شما آبی، (که همان باران باشد) و رویاندیم در آن مقداری از هر دو جفت نباتی شریف که منافع شما در آن است و برایتان فوایدی دارد. در این بیان اشاره است به این‌که نباتات نیز مانند حیوانات نر و ماده‌اند.(۱)

بنای آسمان و گسترش زمین و رویش ازواج و عوامل حیات

۱- المیـــــــزان ج ۳۲، ص ۲۳.

بنای آسمانی و گسترش زمین و رویش ازواج... (۱۴۵)

«اَفَلَمْ یَنْظُرُوا اِلَی السَّماءِ فَوْقَهُمْ کَیْفَ بَنَیْناها وَزَیَّنّاها... وَالاَرْضَ مَدَدْناها... .»

(۶ تا ۱۱ / ق)

اگر کلمه «سَماء» را مقید کرد به کلمه «بالای سرشان» به این منظور بوده که بفهماند هر چیز را انکار کنند، این آسمان را نمی‌توانند انکار کنند، چون جلوی چشمشان و بالای سرشان است. و منظور از این‌که فرمود: آسمان را زینت دادیم، این است که ستارگان درخشان با آن جمال بدیع که دارند در آسمان آفریدیم. پس خود ساختمان این بنای بدیع با آن جمال خیره کننده‌اش و با این‌که هیچ ترک و شکافی در آن نیست، صادق‌ترین شاهد بر قدرت قاهره و علم محیط او به تمامی خلایق است.

(۱۴۶) نظام آفرینش

- «وَالاَرْضَ مَدَدْناها وَ اَلْقَیْنا فیها رَواسِیَ وَ اَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهیجٍ...!» «مَدّ» زمین به معنای گستردن است و خدای‌تعالی زمین را طوری گسترده آفریده که با زندگی انسان‌ها سازگار باشد. کلمه «راسِیَه» به معنای هر چیز ثابت است و کلمه «بَهیج» از بهجت است. بهجت را به معنای آن حسنی گرفته‌اند که مانند گل‌ها و درختان خرم و باغ‌های سبز دیدنش لذت‌آور است. مراد به رویاندن هر جفتی بهیج، رویاندن هر نوعی از گیاهان خوش منظر است. پس خلقت زمین و تدابیر الهیه‌ای که در آن جریان دارد، بهترین دلیل است که می‌تواند عقل را بر کمال قدرت و علم صانع آن رهنمون شود.

- «وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکا فَأَنْبَتْنا بِهِ جَنّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصیدِ!»

منظور از آب مبارک باران است و اگر آن را مبارک خوانده، بدین جهت است که خیرات آن به زمین و اهل زمین عاید می‌شود، منظور از «حَبُّ الْحَصید» حبه و

بنای آسمانی و گسترش زمین و رویش ازواج... (۱۴۷)

دانه محصود و درو شده است. معنای آیه چنین است: (از آسمان آبی پر برکت نازل کردیم و به دنبالش باغ‌ها و دانه‌های درو کردنی رویاندیم.)

- «وَالنَّخْلَ باسِقاتٍ لَها طَلْعٌ نَضیدٌ ـ درختان خرمای بلند با شکوفه‌های روی هم چیده.»

- «رِزْقا لِلْعِبادِ وَ اَحْیَیْنا بِهِ بَلْدَةً مَیْتا کَذلِکَ الْخُرُوجُ!»

ما این باغ‌ها و این دانه‌های درو شده و نخل‌های بلند بالا، با طلع‌های روی هم چیده را رویاندیم، برای این‌که رزقی باشد برای بندگان. پس کسی که این نباتات را آفرید، تا بندگان را روزی دهد، با آن تدابیر وسیع و محیرالعقولی که در آن‌ها به کار برده، دارای علمی بی‌نهایت و قدرتی است، که زنده کردن انسان‌ها بعد از مردن هرچند اجزایشان متلاشی و جسمشان در زمین گم شده باشد، عاجزش نمی‌سازد.(۱)

۱- المیـــــــزان ج ۳۶، ص ۲۲۴.

(۱۴۸) نظام آفرینش

خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان

«وَ الَّذی خَلَقَ الْاَزْواجَ کُلَّها وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الْفُلْکِ وَ الْاَنْعامِ ما تَرْکَبُونَ!»

(۱۲ و ۱۳ / زخرف)

مراد به «اَزْواج» به نظر برخی از مفسرین، اصناف موجودات از نر و ماده و سیاه و سفید و امثال آن است. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد جفت از هر چیز است، چون هر موجودی سوای خدای‌تعالی جفتی دارد، بالا و پایینی دارد، راست

خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان (۱۴۹)

و چپی و نر و ماده‌ای دارد.

– برایتان از کشتی و چهار پایان چیزهایی قرار داد که سوارش شوید.

– «لِتَسْتَوُا عَلی ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْکُرُوا نِعْمَةَ رَبِّکُمْ اِذَا اسْتَوَیْتُمْ عَلَیْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنینَ - تا بر پشت آن‌ها قرار گیرید و آن‌گاه هنگام قرار گرفتن بر پشت آن‌ها، به یاد نعمت پروردگارتان افتید و بگویید: منزه است آن خدایی که این مرکب را برای ما مسخر کرد وگرنه ما نمی‌توانستیم آن را رام خود کنیم.» مراد به یاد آوردن نعمت رب بعد از استواء بر پشت حیوان یا کشتی، این است که به یاد نعمت‌هایی بیفتی که خدا آن‌ها را مسخر انسان کرده و انسان از آن‌ها استفاده می‌کند. مثلاً از یک محل به محل دیگر می‌رود و بار و بنه خود را حمل می‌کند. همچنان که در جای دیگر فرمود: «کشتی‌ها را مسخر کرد برای شما تا به امر خدا در دریا

(۱۵۰) نظام آفرینش

جریان یابد» (۳۲ / ابراهیم) و نیز فرمود: «و چهارپایان را آفرید... و بار و بنه خود را به‌وسیله آن به نقاط دوری حمل می‌کنید که بدون آن‌ها نمی‌توانید حمل کنید، مگر به جان کندن» (۷ / نحل) و ممکن هم هست مراد به یادآوری نعمت، یادآوری مطلق نعمت‌ها باشد، چون معمولاً آدمی از یاد یک نعمت به یاد نعمت‌های دیگر نیز منتقل می‌شود.(۱)

آیت رویش ازواج نیکو

۱– المیزان ج ۳۵، ص ۱۴۰.

آیت رویش ازواج نیکو (۱۵۱)

«اَوَ لَمْ یَرَوْ اِلَی الْاَرْضِ کَمْ اَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَریمٍ!» (۸ / شعراء)

– هیچ نگاهی به این نباتات که از زمین رویانیدیم، نباتاتی که جفت‌هایی کریمند، نیفکندند؟

رؤیت در این جمله متضمن معنای نظر و تفکر است. مراد به زوج کریم – به طوری که گفته‌اند – به معنای زوج نیکو است، آن نباتاتی است که خدای سبحان نر و ماده‌شان خلق کرده. بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد به آن همه موجودات روییدنی است، چه نبات و چه حیوان و چه انسان، به دلیل این‌که در جای دیگر در خصوص انسان فرموده: – «اِنَّ فی ذلِکَ لَاَیَةً وَ ما کانَ اَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنینَ!»

کلمه «ذلِکَ» اشاره است به داستان رویانیدن هر جفتی کریم، که در آیه قبلی بود و از

(۱۵۲) نظام آفرینش

این جهت آیت است که هر یک از این جفت‌ها را ایجاد کرده و نواقص هر یک از دو طرف زوج را با دیگری برطرف کرده است. و هر دو طرف را به سوی آن غایتی که بدان منظور ایجاد شده‌اند، سوق داده و به سوی آن هدف هدایت نموده است. و خدایی که

چنین سنتی در همه کاینات دارد، چه طور ممکن است امر انسان‌ها را مهمل بگذارد؟ و به سوی سعادتش و آن راهی که خیر دنیا و آخرتش در آن است، هدایت نکند؟ این، آن حقیقتی است که آیت روییدنی‌ها بدان دلالت دارد.(۱)

نظام ازواج و تلقیح در گیاهان و تأثیر باران و نیروی ثقل در رویش گیاه

«وَ اَرْسَلْنا الرِّیاحَ لَواقِحَ فَاَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَسْقَیْنا کُمُوهُ وَ ما اَنْتُمْ لَهُ

۱– المیـــزان ج ۳۰، ص ۸۸.

نظام ازواج و تلقیح در گیاهان... (۱۵۳)

بِخازِنینَ!» (۲۲/حجر)

امروزه در مباحث گیاه‌شناسی مسلم شده که مسئله نر و مادگی در تمام گیاهان هست و بادها در وزش‌خود ذراتی‌از گرد گل گیاه نر را به‌گیاه ماده منتقل می‌کنند و آن را بارور می‌سازند. قرآن کریم در آیه مورد بحث همین حقیقت را پرده‌برداری می‌کند و می‌فرماید: «ما بادها را برای کار تلقیح فرستادیم.»

– «فَاَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَسْقَیْنا کُمُوهُ!»

جمله فوق اشاره به باران است که از ابرها فرو می‌ریزد. در مباحث علمی عصر مسلم شده که آب موجود در کره زمین از باران‌هایی جمع شده که از آسمان فرو ریخته‌اند.

(۱۵۴) نظام آفرینش

آیه مورد بحث که با قسمت اولش یعنی جمله «وَ اَرْسَلْنَا الرِّیاحَ لَواقِحَ،» مسئله نر و مادگی و تلقیح گیاهان را و با قسمت دومش یعنی جمله «فَاَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَسْقَیْنا کُمُوهُ،» مسئله پیدایش آب را از باران اثبات نموده است، هم‌چنین آیه قبل که داشت: «وَ اَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ شَیْءٍ مَوْزُونٍ،» به یک حقیقت علمی دیگر اشاره نموده و آن این است که وزن در روییدن نباتات مؤثر است. و این خود یکی از دقایق علمی امروز است، که قرآن کریم گوی سبقت را در آن از همه آکادمی‌های علمی جهان ربوده است و کشف این اسرار در چهارده قرن قبل به وسیله قرآن کریم دست کمی از معجزه ندارد، بلکه همان معجزه است.(۱)

۱– المیزان ج ۲۳، ص ۲۱۴.

نظام ازواج و تلقیح در گیاهان... (۱۵۵)

تکوّن ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات

«وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ!» (۳۰ / رعد)

– از جمیع میوه‌هایی که ممکن است تکون یابد، در زمین انواع مختلفی از حیث نوع و از حیث تابستانی و زمستانی، و از حیث شیرینی و غیر آن و تری و خشکی آن قرار داد.

این‌معنای معروف در تفسیرکلمه «زَوْجَیْنِاثْنَیْنِ» است و بنابراین‌تفسیر، مقصود از دو زوج دو صنف خواهدبود، که یک‌صنف با صنفی دیگر مخالف باشد، چه این‌که صنف

(۱۵۶) نظام آفرینش

سومی داشته باشد یا نداشته باشد.

در تفسیر جواهر در ذیل «زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ» گفته است: خداوند در زمین از هر صنفی از میوه‌ها زوج قرار داده، یعنی دو تا، یکی نر و یکی ماده، که ازدواج آن‌ها در گل‌هایشان صورت می‌گیرد.

گفتار وی هر چند از حقایق علمی است که هیچ تردیدی در آن نیست، لکن ظاهر آیه کریمه با آن مساعدت ندارد، چه ظاهر آیه این است که خود میوه‌ها زوج و دو تا هستند، نه این‌که از درختی خلق می‌شوند که آن درخت‌ها زوج و دو تایی باشند.(۱)

۱- المیـــــــــزان ج ۲۲، ص ۱۷۱.

تکون ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات (۱۵۷)

اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات

«وَ تَرَی الْاَرْضَ هامِدَةً فَاِذا اَنْزَلْنا عَلَیْهَاالْماءَاهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ اَنْبَتَتْ مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهیجٍ!»(۵و۶/حج)

زمین بعد از آن‌که ما آب را بر آن نازل کردیم از هر صنف از اصناف گیاهان دارای بهجت، یعنی رنگ خوش و برگ و گل خندان برویانید. ممکن هم هست مراد به زوج معنای مقابل فرد باشد، برای این‌که در جاهای دیگر کلام خدای‌تعالی این معنا

(۱۵۸) نظام آفرینش

ثابت شده، که گیاهان نیز ازدواج دارند، همچنان‌که برای آن‌ها حیات و زندگی اثبات شده است و علوم تجربی امروز نیز با آن موافق است.

حاصل معنا این است که زمین در رویاندن گیاهان و رشد دادن آن‌ها اثری دارد، نظیر اثر رحم در رویاندن فرزند، که آن را از خاک گرفته و به صورت نطفه و سپس علقه و آن‌گاه مضغه و آن‌گاه انسانی زنده در می‌آورد.(۱)

۱- المیـــزان ج ۲۸، ص ۲۰۷.

اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات (۱۵۹)

فصل دوم :نظام ازواج انسان

آفرینش زوج انسان و آرام دل او

«هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ اِلَیْها!»(۱۸۹ / اعراف)

- ای گروه بنی آدم خدای‌تعالی آن کسی است که شما را آفرید «مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ»

(۱۶۰)

از تن واحدی که پدرتان بود و «جَعَلَ مِنْها» و از آن یعنی از نوع آن «زَوْجَها لِیَسْکُنَ اِلَیْها» همسرش را آفرید تا آن مرد به داشتن آن همسر دل آرام شود.(۱)

نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده

«وَ اللّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَزْواجِکُمْ بَنینَ وَ حَفَدَةً!»(۷۲ / نحل)

۱- المیـــــــــزان ج ۱۶، ص ۲۹۷.

نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده (۱۶۱)

- خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائج‌تان استعانت بکنید و با دست آنان مکاره و ناملایمات را از خود دور سازید و ارزاق طیب که عبارت است از هر متاع دلپسندی که روزی‌تان کرد، مانند آب و انواع میوه‌ها که عمل خود شما در پیدایش آن‌ها دخالت نداشته و مانند طعام‌ها و لباس‌ها و امثال آن که سعی و عمل خود شما در

پیدایش آن‌ها مؤثر بوده است.

- «اَفَبِالْباطِلِ یُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللّهِ هُمْ یَکْفُرُونَ - آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفران می‌ورزند؟»

مقصود از نعمت همان است که همسرانی از جنس خود بشر برای ایشان درست کرد و فرزندان و نوه‌هایی از همسران پدید آورد، چه این از بزرگترین و آشکارترین نعمت‌هاست، زیرا اساسی تکوینی است که ساختمان مجتمع بشری بر آن بنا می‌شود و

(۱۶۲) نظام آفرینش

اگر آن نبود مجتمعی تشکیل نمی‌یافت و این تعاون و همکاری که میان افراد هست پدید نمی‌آمد و تشریک در عمل و سعی میسر نمی‌شد و در نتیجه بشر به سعادت دنیا و آخرت خود نمی‌رسید.

آری اگر بشر این رابطه تکوینی را که خدا به او انعام کرده قطع کند و این رشته پیوند را بگسلد، آن وقت به هر وسیله دیگری که فرض شود متوسل گردد، جا پر کن این رابطه تکوینی نگشته جمعش جمع نمی‌شود و با متلاشی شدن جمع بشر و پراکندگی وحدتش هلاکتش قطعی است.(۱)

۱- المیــــــزان ج ۲۴، ص ۱۸۹.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۳)

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل تولید رحمت و محبت

«وَ مِنْ اایاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا لِتَسْکُنُوا اِلَیْها...!» (۲۱ / روم)

کلمه «زَوْج» به هر یک از نر و ماده حیوانات در صورتی که جفت هم شده باشند اطلاق می‌شود، همچنان‌که به هریک‌از دو قرین چه حیوان و چه غیر حیوان نیز زوج گفته می‌شود، خدای‌تعالی فرموده: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْاُنْثی - خدا از آن دو زوج قرار داد، یکی نر و یکی ماده» (۳۹ / قیامت) و نیز فرمود: «به آدم گفتیم که تو و زوجت در بهشت منزل کنید.»(۳۵/بقره)

این‌که فرمود: «اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا لِتَسْکُنُوا اِلَیْها،» معنایش

(۱۶۴) نظام آفرینش

این است که برای شما از جنس خودتان زوج آفرید. (و کلمه «برای شما» معنایش به منظور فایده و نفع شماست.)

آری هر یک از مرد و زن از جهاز تناسل، دستگاهی دارند که این دستگاه به کار نمی‌افتد، مگر وقتی که با دستگاه طرف مقابل جمع شود و از مجموع آن دو، مسئله توالد و تناسل صورت گیرد، پس هر یک از آن دو در حد خود و فی نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند، و چون بدان رسید آرامش و سکونت می‌یابد، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است و این حالت همان شبقی است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۵)

- «وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً!»

کلمه «مَوَدَّت» تقریبا به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع نیز آن خشوعی را گویند که در مقام عمل هم اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید. و اما «رَحْمَت»، این کلمه به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و یا احتیاج به رفع نقیصه خود دارد، در دل پدید می‌آید و صاحبدل را وادار می‌کند به این‌که در مقام برآید او را از محرومیت نجات داده و نقیصه‌اش را رفع کند.

یکی از روشن‌ترین جلوه گاه و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک

(۱۶۶) نظام آفرینش

منزل است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصا زن، فرزندان کوچکتر را رحم می کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می کنند و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می کند، به این که در حفظ و حراست و تغذیه و لباس و منزل و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت.

نظیر این مورد مودت و رحمتی است که در جامعه بزرگ شهری و میان افراد جامعه مشاهده می‌شود، یکی از افراد وقتی همشهری خود را می‌بیند، با او انس می گیرد، و احساس محبت می کند و مسکینان و ناتوانان اهل شهر خود را که نمی‌توانند به واجبات زندگی خود قیام کنند، ترحم می‌نماید.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۷)

به طوری که از سیاق بر می‌آید مراد به مودت و رحمت در آیه همان مودت و رحمت خانوادگی است.

- «لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ!»

چون وقتی درباره اصول تکوینی خویش بیندیشند، که آن اصول بشر را وادار کرد به این که تشکیل جامعه خانوادگی دهد، مرد را دعوت کرد تا با زن و زن را دعوت کرد تا با مرد جمع شود و اجتماعی منزلی پدید آورند و نیز آن دو را به مودت و رحمت واداشت و آن مودت و رحمت نیز اجتماع مدنی و شهری را پدید آورد و چه آثاری بر این اجتماع مترتب شد، نوع بشری بقا یافت و زندگی دنیایی و آخرتی انسان به کمال رسید، آن وقت متوجه می‌شوند که چه آیات عجیبی در آن‌ها هست و خدای‌تعالی چه تدابیری در امر این نوع از موجودات به کار برده، تدابیری که عقل را

(۱۶۸) نظام آفرینش

حیران و دهشت‌زده می کند.(۱)

خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان و تکثیر آن‌ها

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها وَ اَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْاَنْعامِ ثَمانِيَةَ اَزْواجٍ!» (۷ / زمر)

خطاب در این آیه به عموم بشر است و مراد به «نَفْسٍ واحِدَةٍ» به طوری که نظایر این آیه تأیید می کند آدم ابوالبشر است و مراد به همسر آن نفس واحده،

۱- المیـــــزان ج ۳۱، ص ۲۶۷.

خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان... (۱۶۹)

همسر اوست که از نوع خود اوست و در انسانیت مثل اوست. کلمه «ثُمَّ» برای تراخی و تأخر رتبی در کلام است. مراد این است که خدای‌تعالی این نوع را خلق کرد و افراد او را از یک نفس واحد و همسرش بسیار کرد.

کلمه «اَنْعام» به معنای شتر و گاو و گوسفند و بز است. اگر آن‌ها را هشت جفت خوانده، به اعتبار روبرهم نر و ماده آن‌هاست. و نیز اگر از خلقت چهار پایان در زمین تعبیر کرده به این که ما آن‌ها را نازل کردیم، با این که این چهار جفت حیوان از آسمان نازل نشده‌اند، به این اعتبار است که خدای‌تعالی ظهور موجودات در زمین را بعد از آن که نبودند، انزال خوانده، چون در آیه شریفه «وَ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ اِلّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» به طور کلی موجودات را نازل شده، یعنی اندازه گیری شده از خزینه‌هایی می‌داند که

(۱۷۰) نظام آفرینش

از هر چیز بی‌اندازه‌اش در آن‌جاست. (۲۱ / حجر)

ـ «یَخْلُقُکُمْ فی بُطُونِ اُمَّهاتِکُمْ خَلْقا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ!» (۸ / زمر) این جمله بیان کیفیت خلقت نامبردگان قبلی، یعنی انسان و انعام است و در این‌که خطاب را تنها متوجه انسان کرده می‌فرماید «شما را خلق می کند،» به اعتبار این است که این پنج نوع جانـدار، تنها انسان دارای عقل است و لـذا جانب او را غلبه داده، و بر دیگران چربانـده است و معنای خلق بعد از خلق پشت سر هم بودن آن است، مانند خلقت نطفه، سپس نطفه را علقه کردن و آن‌گاه خلقت علقه را و آن را مضغه کردن، و همچنین و مراد به ظلمات ثلاث به طوری که گفته‌اند ظلمت شکم و ظلمت رحم و ظلمت مشیمه (تخمدان) است.(۱)

۱- المیـــــزان ج ۳۴، ص ۵۹.

خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان... (۱۷۱)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹